

بررسی فایده و کارکردهای عملی خدمات عام‌المنفعه در مقام جایگزین مجازات حبس

فاطمه دولتشاهی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

چکیده

جستار حاضر تحت عنوان «بررسی فایده و کارکردهای عملی خدمات عام‌المنفعه در مقام جایگزین مجازات حبس» در پی آن است تا با شیوه تحلیلی - توصیفی و استفاده از داده‌های مکتوب و معتبر کتابخانه‌ای در حوزه حقوق مدنی و قوانین جزایی، ضمن ارائه‌ی تعریفی دقیق از «خدمات عام‌المنفعه جایگزین مجازات حبس»، این مسأله را در نظام حقوقی ایران مورد مطالعه قرار داده و منافع و مضار این نوع مجازات (که مع‌الاسف سابقه چندان در کشور ندارد) را در معرض نگاه خواننده قرار دهد. آنچه از جستجوی انجام شده به دست آمد عبارت از آن است که اجبار به انجام «امور عام‌المنفعه» نسبت به بسیاری از مجازات‌ها - به ویژه جرایم مالی و حبس‌های کوتاه‌مدت - به حال جامعه به صرفه‌تر بوده و ضمن استفاده جامع از خدمات محکومین، فرد محکوم نیز از خدمات خود بهره‌مند شده و امکان بازگشت او به اجتماع هموارتر می‌شود. از این رو بنا به شرایط ویژه‌ی دنیای امروز و ازدیاد جمعیت شهرها (و به تبع جمعیت بزه‌کاران)، امکان محدود نگهداری زندانیان، آسیب‌های جسمی و روحی ناشی از حبس، تحمیل هزینه‌های مالی فراوان به دولت‌ها و بالاخره آسیب‌هایی که متوجه خانواده محکومین به حبس خواهد بود، خدمات رایگان و عام‌المنفعه می‌تواند در بسیاری از مواقع جایگزین‌های بهتر و مناسب‌تری به جای «حبس» باشد و آسیب‌های گفته شده را به حداقل برساند.

واژگان کلیدی: کارکرد، خدمات عام‌المنفعه، مجازات حبس، قوانین جزایی ایران.

مقدمه

در طول تاریخ همواره انسان‌هایی بوده اند که بر هم زنده‌ی نظم و امنیت جامعه بوده اند، لذا برای جامعه این بی نظمی قابل تحمل نبوده و برای جلوگیری از این بی نظمی، مجازات‌هایی بر طبق قوانین برای این افراد در نظر گرفته شده که یکی از این مجازات‌ها، حبس است. با گذشت زمان و تراکم جمعیت کیفری زندان‌ها اما، مشکلاتی برای دولت‌ها به وجود آمد، مشکلاتی نظیر: هزینه ی زیاد ساخت زندان و هم‌چنین نگهداری زندانیان و این مشکلات باعث شد که دولت‌ها و حکومت‌ها به فکر زندان‌زدایی با جایگزینی حبس و تصویب قوانینی در خصوص کاهش جمعیت کیفری زندانیان بپیفتند. بنابراین مجازات‌های جایگزین حبس مورد توجه و تصویب قرار گرفت. یکی از مجازات‌های جایگزین حبس، «کار عام المنفعه» یا «خدمات عمومی» رایگان می باشد.

طبق ماده‌ی ۸۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، خدمات عمومی رایگان: خدماتی است که با رضایت محکوم برای مدت معین، تحت نظارت قاضی اجرای احکام اجرا می گردد. در این قانون برای اولین بار از کار عام المنفعه یاد شده است و جرائم قابل توجهی را مشمول کار عام‌المنفعه نموده است، مخصوصاً جرایم تعزیری درجه ۶ تا ۸ که این مساله ناشی از تقاضای جامعه بین الملل و نیز ارتقای فرهنگ حقوقی داخلی است که به ترافعی شدن مجازات‌ها و در نهایت خاصیت اصلاح گرانه، توجه خاصی نشان داده است .

بنابراین یکی از مهم‌ترین کارکردهای اثر بخش بودن کارهای عام المنفعه، تاثیر رضایت محکوم در اجرای حکم با قبول نوع و کیفیت انجام کار عام المنفعه است، چرا که همکاری مسالمت آمیز محکوم در اجرای مورد حکم نه تنها باعث کاهش مقاومت وی می‌گردد، بلکه باعث استفاده از تجربه و تخصص وی به نفع جامعه ای می‌شود که هنجارهای آن را پایمال نموده است . در این حالت هم مجرم از محیط زندان فاصله می‌گیرد و هم جامعه از آثار مثبت کار وی، ذی نفع می‌گردند. اما چالش موضوع مربوطه به: نحوه‌ی ارجاع کار عام المنفعه، چگونگی اجرای کار و نحوه‌ی تعامل با قاضی، ضابطین قضایی و در نهایت انعکاس آن بین مردم و نهاد پذیرنده است، و این از آن جهت است که این نوع مجازات، هنوز در جامعه و دستگاه قضایی فرهنگ سازی نشده و بایستی در این زمینه از تجربیات حقوقی کشورهای مثل: انگلستان، فرانسه و ... نیز استفاده نمود.

در قانون مجازات اسلامی ماده‌ی ۹۲، واژه‌ی «حبس» را به جای «زندان» به کار برده اند که تعبیری بسیار بجا بوده است - چون زندان، فقط یک مکان است؛ در حالی‌که حبس، حکم است و بدیل‌های حبس، جایگزین حکم می‌شوند نه مکان. بدیل‌های حبس، شامل اقداماتی می‌شوند که قاضی در زمان صدور حکم، حق انتخاب بین اعزام محکوم به زندان و یا محکومیت غیر سالب آزادی را دارد. در رویکرد اعمال جایگزین‌های حبس (مخصوصاً کار عام المنفعه) قاضی ملزم نیست که طبق دستورات از پیش تعیین شده و یک سویی قانون، هر پرونده ای که به وی ارجاع می‌شود را حکم به حبس بدهد، بلکه می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال پرونده از جمله: خصوصیات مرتکب جرم، سوابق زندگی وی، شرایط بزه دیده و غیره و ...، یکی از جایگزین‌های حبس را اعمال نماید. با این حال، شناسایی ماهیت و چگونگی کارکرد و شاخص‌های این اوضاع و احوال، نیز ابهامات زیادی را ایجاد می‌نماید که باعث تفاوت زیاد آراء در مورد یک وضعیت مشخص و یکسان است. بنابراین برای این چالش نیز بایستی تحلیل حقوقی ارائه گردد و از حقوق سایر کشورها ی منتخب (مثل فرانسه) نیز استفاده نمود.

بررسی آسیب شناسانه‌ی جمعیت کیفری با چشم انداز کار عام المنفعه، مبین علل وجهات مختلفی است که موجب تغییر جمعیت کیفری می شود. عواملی مثل: ضعف درسیاست جنایی تقنینی، ضعف درسیاست جنایی قضایی، ضعف در مکانیسم های اجرای مجازات؛ باعث کارکردهای مبهمی در جمعیت کیفری می‌گردد که لزوم بررسی، تحلیل و شناسایی این عوامل نیز، کارکرد مهمی در تقلیل جمعیت فوق خواهد داشت.

از طرف دیگر، بررسی و تحلیل و تفسیر مواد قانونی مرتبط با کار عام النفعه و تحلیل حقوقی نهاد پذیرنده و نیز چگونگی امکان اثر بخش بودن کار عام المنفعه و تخمین ظرفیت‌های حقوقی، قضایی، نیاز به مطالعه‌ای تحقیقی در این خصوص دارد تا کار عام النفعه از دیدگاه‌های مختلف مورد ارزیابی قرار گیرد.

از این رو، بررسی و تحلیل مبانی، آسیب شناسی، کارکرد و نقاط ضعف و قوت کار عام المنفعه، می‌تواند به استقرار و نهادینه شدن این نهاد حقوقی در بین جامعه‌ی قضایی، حقوق دانان، مجرمین و احاد مردم، کمک نماید.

پرسش تحقیق

پرسش اصلی تحقیق عبارت از آن است که: فواید و کارکردهای عملی خدمات عام‌المنفعه در مقام جایگزین مجازات حبس را چه شاخصه‌های تشکیل می‌دهد و ساز و کار اجرای این شاخصه‌ها در جامعه‌ای مانند ایران چگونه می‌تواند باشد؟

فرضیه تحقیق

کارکردهای عملی خدمات عام‌المنفعه در مقام جایگزین مجازات حبس را شاخصه‌هایی چون: کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها، مقابله با افزایش نرخ تکرار جرم، پیشگیری از جرم، بازپروری اجتماعی بزهکار، پیشگیری از برجسب مجرمانه، جنبه‌های اقتصادی اشتغال به کار بزهکاران و... تشکیل می‌دهد. از این رو در یک ارزیابی منطقی و حقوقی مجازات‌های جایگزین از زندان و حبس برای فرد بزهکار و جامعه شایسته‌تر است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

آنچه اهمیت و ضرورت بررسی و تحلیل موضوع این جستار را بیان می‌کند اصلاح و تکمیل قوانین جزایی کشور و نیز حبس‌زدایی به منظور اصلاح افراد و جامعه جهت توسعه پایدار و همه‌جانبه است.

پیشینه تحقیق

- طبق نظر دکتر نجفی ابرندآبادی، در مقاله‌ای با موضوع «جایگزین‌های حبس» در سال ۱۳۸۳؛ جایگزین‌های حبس برای نخستین بار در کنگره پیش‌گیری از وقوع جرم در لندن (۱۸۷۶) مطرح شد، ولی پیگیری تحقق برنامه‌های اجرایی آن عمدتاً به سال‌های پس از جنگ دوم جهانی و تأسیس سازمان ملل متحد باز می‌گردد. سپس به سیر تکاملی این جایگزین‌ها توجه می‌نماید و در نهایت نتیجه می‌گیرد که: در ایران اگر چه این سیر تکاملی طی نشده است ولی باتوجه به عرف بین الملل حقوقی و مزایای اثبات شده آن‌ها، بهتر است این روش‌های تکامل یافته نیز در ایران تحقق یابند.

- در پژوهش دیگر دکتر نجفی ابرندآبادی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «کارعام المنفعه»، در سال ۱۳۹۲، بیان می‌دارد: در گذشته‌های بسیار دور، ضمانت اجراهای کیفری در قالب مجازات‌های شدید بدنی و ترضیلی اعمال می‌شد. در این دوره، مجازات‌ها بر پایه انتقام و سرکوبی بزهکار استوار بود و به شکل مجازات‌های بدنی قهرآمیز، به ویژه اعدام و سایر مجازات‌های غیرانسانی اعمال می‌گردید. هرچند مجازات حبس از عهد کهن وجود داشته است، ولی به دلیل استفاده محدود و جزئی در ردیف مجازات‌های شایع آن اعصار به حساب نمی‌آمد، با وجود این با گذشت زمان به تدریج به عنوان مجازات، وارد زرادخانه‌های کیفری شد. در ابتدا، جایگزین کیفر حبس به جای مجازات‌های بدنی شدید، علی‌رغم وضعیت نامناسب و رقت بار زندان‌ها به لحاظ تعدیل شکل مجازات، بسیار امیدوار کننده بود؛ ولی به مرور زمان به دلیل عدم توجه به وضعیت زندان‌ها، بالا رفتن آمار زندانیان و پدیده حرفه‌ای شدن محکومین به حبس، این امیدواری به یأس مبدل شده است.

- همچنین دکتر نجفی ابرندآبادی در مقاله‌ای «بررسی قانون مجازات اسلامی جدید»، در سال ۱۳۹۲؛ ضمن بررسی فصل نهم قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲؛ با عنوان «مجازات‌های جایگزین حبس» بیان می‌کند: این قانون، در واقع مقررات «لایحه مجازات‌های اجتماعی» است که به پیشنهاد قوه قضائیه در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۸ به تصویب هیأت وزیران رسید و در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۲۷ تقدیم مجلس شورای اسلامی برای بررسی و تصویب داده شد. در مجلس شورای اسلامی عنوان این لایحه به «مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان» تغییر داده شد و در نهایت چون حقوق‌دان‌ها به این عنوان ایراد گرفتند در قانون مجازات اسلامی به «مجازات‌های جایگزین حبس»، تغییر داده شد که به همین عنوان نیز ایراداتی وارد است؛ چون طبق مواد این فصل سیاست جنایی «شلاق‌زدایی» نیز علاوه بر حبس‌زدایی در پیش گرفته شده است و ثانیاً «اجتماعی بودن» را از عنوان آن حذف نموده‌اند.

- دکتر محمد آشوری نیز در کتاب جایگزین‌های زندان با مجازات‌های بینابین (۱۳۸۵) چنین گفته: اقدام‌های ناظر به جایگزین‌های زندان ممکن است ضمن برآورده کردن هدف‌های عدالت کیفری، هزینه‌های مادی و معنوی اجرای مجازات زندان را کاهش دهند. در این اندیشه، به زندان به مثابه و آخرین حربه، نگرسته می‌شود و تا هنگامی که دیگر شیوه‌های کیفردهی دسترس پذیر و سودمند باشند، توسل به زندان ناموجه تلقی شده است. این جایگزین‌ها از نظر تاریخی ابتدا با «جایگزین‌های زندان‌های کوتاه مدت» وارد قلمرو نظام کیفری شدند، زیرا مشخص شد که چنین کیفری نه تنها توانایی اندکی در بازسازی و اصلاح مجرمان دارد، بلکه موجب بروز فساد و فراهم کردن عوامل و زمینه‌های ارتکاب جرم از سوی زندانیان می‌شود. ولی جایگزین‌ها به تدریج توسعه یافتند و در قوانین جزایی کشورهای مختلف وارد شدند. برخی از آن‌ها به شکل جایگزین حبس دست قاضی را باز گذاشتند تا به جای کیفر حبس به آن‌ها توسل جوید و برخی دیگر به شکل مستقل یک نوع مجازات تلقی شده و بر فهرست کیفرها افزوده شدند. پاره‌ای از اقدام‌های کیفری را که از روش‌های تعویق یا انصراف از کیفر حبس محسوب می‌شوند نیز می‌توان از جمله جایگزین‌ها دانست.

بحث و بررسی

مفهوم جایگزینی حبس

حبس به عنوان کیفر در تاریخ تحولات حقوق کیفری یعنی نیمه دوم قرن هیجدهم همواره به عنوان یک واقعیت گریزناپذیر وجود داشته است.

حبس در لغت فارسی (ح-ب-س) ریشه در معنای مانع شدن از آمد و شد به کار رفته است. در فارسی به معنای یکی کیفر آزادی و محل نگهداری محکوم به چنین کیفری یعنی معدل زندان به کار می‌رود. در فرهنگ معین حبس به معنی زندانی کردن و باز داشتن آمده است. سجن یا حبس عبارت است از مکانی که در آن محکوم ارتکاب گناهان و جرایم موجب زندان که خود به ارتکاب آن اعتراف کرده یا متهمانی که به اتهام وارده اعتراف نکرده، زندانی می‌شوند. (گودرزی بروجردی و مقدادی، ۱۳۸۵: ۳۴)

در معنای اصطلاحی حبس چنین تعریف شده: سلب آزادی و اختیار نفس در مدت معین یا نامحدود، به طوری که در آن حالت ترخیص وجود نداشته باشد و اگر حالت انتظار وجود داشته باشد آن را توقیف گویند نه حبس.

حبس یکی از انواع مجازات‌هاست که به موجب آن آزادی محکوم از وی سلب می‌شود. کلمه حبس به معنی تضییق و مخلوط کردن شخص مجرم. از این رو حبس را منحصر به زندان ننموده‌اند و هر نوع ایجاد محدودیت و تحت نظر بودن شخص مجرم را، محبوس شدن تلقی کرده‌اند. که نه تنها شامل بازداشت موقت بلکه حالات متخلف محدود کردن شخص در خانه خود و اماکن عمومی و همراه شدن با مامور را شامل می‌شود. (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۳: ۲۰۸)

قرآن کریم در مورد حبس چنین می‌فرماید: «تحبسونهما من بعد الصلاه فی قسمان با الله ارتبتم»

شاهدان را نگه دارید، اگر از آن‌ها (دو شاهد) بدگمانی تا بعد از نماز آن‌ها را سوگند دهند که ما به حق شهادت می‌دهیم. (مائده / ۱۰۶)
«و ائن اخرنا عنهم العذاب الی امه معدوده لیقولون ما یحبسوا» اگر ما عذاب را از آن منکران معاد تا وقت معین به تعویق اندازیم آن‌ها به جای آن که توبه از گناه کنند، تمسخر و استهزاء کرده و گویند چه موجب تأخیر عذاب شده بود. (هود / ۸)

مجازات‌های جایگزین به عنوان یک مکانیسم و بازار مناسب می‌باشد و در قوانین موضوعه نیز از اهمیت بالایی برخوردار است و این مجازات‌ها را می‌توان با توجه به شخصیت مجرم به کار گرفت و از این مجازات‌ها به نحو احسن بهره جست. با اعمال این مجازات‌ها، هم شخص مجرم متنبه شده و از کرده‌ی خود پشیمان شده و در بازسازی و اجتماعی شدن وی تأثیر به سزایی داشته و هم ضرر و زیان متضرر از جرم تا حدودی جبران شده و با اعمال این گونه از مجازات، تسلی خاطر وی حاصل می‌شود.

«مجازات‌های جایگزین حبس به مجموعه‌ای از ارزیابی‌ها، راه حل‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و خدماتی اطلاق می‌شود که حوزه‌های قضایی جهت جانشین نمودن حبس و زندان برای افراد محکوم و بزه کار در نظر می‌گیرند و محکومین تحت نظارت، شرایط و قواعد از پیش تعیین شده به جای تحمل کیفر زندان، به ارائه‌ی خدمات عام المنفعه به منظور جبران خسارت وارده به قربانیان جامعه می‌پردازند. (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۷۹)

یا در تعریفی دیگر می توان مجازات های جایگزین حبس را این گونه تعریف کرد: مجازات جایگزین حبس عبارت است از روش ها و تدابیری که از سوی مقنن برای جانشینی مجازات حبس و دست یابی به اهدافی از جمله کاهش جمعیت کیفری زندان، جلوگیری از افزایش بی رویه ارتکاب جرم و تکرار آن، اصلاح و بازپروری مجرمینی که مرتکب جرایم سبک می گردند و... در خصوص محکومان اجرا و اعمال می گردد.

هدف از جایگزینی حبس:

ناکامی و شکست زندان در توفیق به اهداف پیش گیرانه، بازپرورانه و زمینه بروز و تشدید بحران تورم جمعیت کیفری را فراهم نموده است. این امر از دیر زمانی است که ذهن متصدیان نظام های عدالت کیفری و به ویژه متولیان امر زندانبانی را در سر تاسر جهان به تحرک و تجسس واداشته است. لذا از این رو، طرح اندیشه های جایگزین زندان و مکانیسم های کاهش جمعیت کیفری با رویکرد های نوین به مقوله زندان و زندانبانی، به عنوان الگویی کارساز و فایده مند جهت برون رفت از این معضل مورد استفاده و ضمان عرصه سیاست جنایی قرار گرفته است. عنوان کیفری مجازات حبس که برای نخستین بار در قانون جدید اسلامی سال ۱۳۹۲ به کار گرفته شده یکی از تحولات و رویکرد های نوین این مجموعه قانونی است و وسیله ای است که می تواند علاوه بر تدابیری که قانون گذار برای متوقف ساختن مجازات به طور مشروعا از طریق نهاد تعلیق مجازات و آزادی مشروط به کار گرفته است، در باز پروری مرتکبین موثر باشد.

۱) نامناسب بودن محیط زندان

مخالقان کیفر حبس معتقدند که زندان در عمل به یک محیط جرم زا و مجرم پرور تبدیل شده است و این دلایل را ذکر می کنند: اولاً، زندان مکانی است برای آماده کردن و انتقال متون ارتکاب بزه طی مدتی که زندانیان در یک جا با هم در ارتباط می باشند. به عبارت دیگر همان پدیده فرهنگ پذیری از زندان مد نظر است. (گودرزی و الوندی، ۱۳۸۲: ۱۱۲) با این عنوان که در مرحله اول برای خود زندانی، زیرا محکومی که به خاطر ارتکاب جرم کم اهمیت به زندان رفته و ممکن است در اثر تماس با بزهکاران حرفه ای داخل زندان به مجرم حرفه ای تبدیل می شود. به همین خاطر زندان موجب ارتقای کیفیت جرایم می شود چرا که هر چه تراکم زندانیان بیشتر باشد مقدار یادگیری شگردها و حیل های بزه کاری نیز بیشتر می شود. در وهله دوم: نسبت به سار افراد جامعه، زیرا زندانی با آزاد شدن موجب انتقال فرهنگ و متون مجرمانه به سایر عموم افراد جامعه می شود و پدیده ای بنام فرهنگ پذیری از زندان، ممکن است نسبت به عموم افراد جامعه نیز رخ دهد و افراد زیادی به سمت ارتکاب بزه با الگو و فرهنگ پذیری از زندانی سوق پیدا می کنند. بنابراین در جرم شناسی های معاصر نظریه ای به عنوان «فرهنگ پذیری زندان» مطرح شده است که گونه های فرهنگ زندان در طول اقامت در حبس بر شخصیت و رفتار زندانیان تاثیر می گذارد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶: ۳۷۶)

ثانیاً، زندان مکان مناسب برای ارتکاب خشونت و ستیزه جویی می باشد. این خشونت و ستیزه جویی ممکن است در نتیجه عمل زندانیان نسبت به هم دیگر «مثل زد و خورد، ناسزا گرفتن» باشد یا به واسطه عمل مامورین زندان نسبت به زندانیان باشد هم چنین خشونت ممکن است به واسطه اوضاع و احوال حاکم در زندان و مشکلات بهداشتی باشد. (گودرزی و الوندی، ۱۳۸۲: ۱۲۱) ثالثاً، عدم کنترل دقیق برای ورود و خروج مواد مخدر به زندان و روابط جنسی زندانیان با یکدیگر و در نهایت عدم رضایت فردی آنها از محیطی که در آن زندگی می کنند، زندان را به محیطی جرم زا تبدیل کرده است. به عنوان مثال زندان چون که مانعی بر سر راه ارضای غریزه جنسی می باشد موجبات بروز انحرافات جنسی را فراهم می کنند که بیان گر مجرمانه و مجرم پرور بودن محیط زندان می باشد. (مقصودی، ۱۳۹۲: ۵۸)

بنابراین کیفر حبس دیگر امروزه کارایی ندارد و اثرات زیانبار آن بیش تر از فواید و منافع اجرایی آن است. به همین دلیل جایگزین های مناسب برای کیفر حبس پیش بینی شده است تا این که جایگزین ها بتوانند اثرات زیانبار کیفر حبس را از بین برده یا این که از اثرات آن بکاهد.

این دلایل به بخشی از اهداف کیفر حبس بر می گردند و بیان گر این امر می باشند که کیفر حبس نتوانسته اهداف مورد نظر اصلاح و درمان و ارعاب و باز دارندگی را برآورده نماید.

بخش دیگر از این دلایل بر نقش کیفر حبس و شیوه اجرای آن بر می گردد. به عبارت دیگر، محیط زندان و قیود و شرایط حاکم بر آن جرم زا بودن زندان، هزینه های اقتصادی، مشکلات بهداشتی و روانی، باعث می شود تا مخالفان به فکر ایجاد روش های جایگزین مناسب برای کیفر حبس باشند. این ها باعث می شود تا مخالفان که کیفر حبس نتواند آن رسالت و اهداف مورد نظر را برآورده نماید.

مثال: جرم زا بودن محیط زندان و تراکم جمعیت و کمبود فضا باعث شکست برنامه اصلاح و درمان در زندان می باشد. عده ای دلایل عملی عدم مشروعیت مجازات حبس که از سوی مخالفان ارائه شده است ذیلا مورد بحث قرار داده اند:

الف: شکست مجازات حبس در دستیابی به اهداف: مجازات ها از اهدافی برخوردار می باشند که از جمله آن ها عبارتند از: ارعاب و عبرت انگیزی و پیش گیری از جرم به طور خاص و عام و باز سازی مجدد مجرم در جامعه. (تمجید، ۱۳۸۱: ۹۸)

مخالفان کیفر حبس معتقدند که این مجازات نتوانسته است اهداف فوق را برآورده سازد.

ب: ناتوانی در پیش گیری: جرم یکی از اهداف مجازات ها، ارعاب و بازدارندگی می باشد. منظور از جنبه های پیش گیرانه و سودمندانه کیفر می باشد. به این معنا که آن کیفر، چنان ترس و واهمه ای را ایجاد کند که در وهله اول، نسبت به خود مرتکب است تا تمایل به ارتکاب مجدد بزه را در او از بین ببرد و در وهله دوم، نسبت به عموم افراد جامعه که جرم بزه کاران بالقوه می باشد و ممکن است به تقلید از بزه کار اصلی به دامن ارتکاب جرم روی آورند. تعبیر جلوگیری از اندیشه ارتکاب مجدد جرم از سوی مرتکب را پیش گیری خاص و جلوگیری از ارتکاب جرم به تقلید از بزه کار را پیش گیری عام می نامند. این که آیا کیفر حبس توانسته است این هدف ها و مجازات ها را برآورده سازد یا نه به درستی معلوم نیست. (بولک، ۱۳۷۲: ۳۱)

آمارها نشان می دهد که کیفر حبس در برآورده کردن این هدف موفق نبوده است و هم چنان که می بینیم که نه تنها عموم افراد از ارتکاب جرم دست نکشیده اند بلکه هم چنان بخشی از جمعیت کیفری زندان را تکرار کنندگان جرم تشکیل می دهند و هر سال به این تعداد افزوده می شود.

ج: شکست برنامه های اصلاح و درمان: یکی دیگر از اهداف مجازات ها باز پروری مجدد بزه کاران و اصلاح و درمان آن ها می باشد. اندیشه اصلاح و درمان بزه کاران و بازسازی مجدد وی یکی از آموزه های فکری مکتب دفاع اجتماع جدید می باشد. (بولک، ۱۳۷۲: ۳۲)

اصلاح مقصر با این هدف است که دوباره به راه خطا باز نگردد.

۲) اصلاح مجرمین

از آن جا که هدف از مجازات در کشور ما اصلاح و تربیت زندانی است در برخی موارد می توان از مجازات های جایگزین استفاده کرد چرا که اثرات خوبی در پی خواهد داشت. اندیشه اصلاح مجرم در هدف گذاری کیفر، از نوآوری های عصر کنونی به شمار نمی رود بلکه رگه های آن را در اصول حقوق جزای قرون وسطی و حتی پیش تر از آن نیز می توان یافت.

با روی آوری به مفهوم اصلاح، یعنی بهسازی مجرم، جلوگیری از کج روی و فرو افتادن دوباره وی در گرداب تبه کاری، مجازات در این رویکرد به سان کلاس درسی است که در آن مجرم آموزش های بایسته را در راستای زندگی آشتی گونه و هماهنگ با جامعه فرا گیرد. و نیز دارویی است که نارسایی های جسمی و روحی او را درمان می نماید.

اصلاح، بهسازی خواهش های ویران گرانه در نهاد کسانی می باشد که با رفتار خود موجبات از میان بردن حقوق و آزادی های انسان ها را فراهم آورده اند. در گذشته نه چندان دور، این اقدام بدون در نظر گرفتن توانایی های شخصی و استعداد های روانی و جسمانی بزه کاران، آن هم در ساختار روش های سخت و گاهی جان کاه انجام می گرفت. ولی اینک با فردی کردن مجازات ها کوشش می شود به کار گیری شیوه های زیستی، همانند با ویژگی های هر یک از بزه کاران بار پیوند آنان با جامعه برقرار شود. (اردبیلی، ۱۳۸۲: ۳۹)

تردید فزاینده در به کار بستن کیفر حبس و بهره گیری از جایگزین هایی مانند، انجام کارهای دارای سود همگانی، جریمه و محرومیت از حقوق اجتماعی، از جمله راه کارهایی می باشند که برای دست یابی به هدف اصلاح و تربیت این دیدگاه بدان روی آورده است.



درباره‌ی مجازات زندان، برخی بر این باورند که این مرکز، افزون بر بدآموزی‌ها، حتی در ارزیابی وضعیت مجرم، جای مناسبی نیست. اهداف و مبانی مجازات، بی‌گمان هر گونه چاره‌اندیشی در جلوگیری از رخداد جرم، منطقی در ره کار در برخورد آن به شمار می‌رود، تا آن‌جا که به باور برخی، دست‌یابی به سیاست جنایی موثر، تنها به درجه نخست از اهمیت قرار دادن تدابیر پیش‌گیرنده پیوسته است. مهم‌ترین رهیافت‌های پیش‌گیری از جرم عبارتند از: بهره‌گیری از مجازات‌هایی که در ردیف تدابیر تأمینی – تربیتی جای دارند، گونه خاص برخورد با مجرمان خطرناک و سرانجام، بهره‌جویی از شیوه‌های خاص اجرای کیفر. (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۹۶)

بنابراین شکست برنامه‌های اصلاح و درمان، یکی دیگر از اهداف مجازات‌ها باز پروری مجدد بزهکاران و اصلاح و درمان آن‌ها می‌باشد. اندیشه اصلاح و درمان بزهکاران و بازسازی مجدد وی یکی از آموزه‌های فکری مکتب دفاع اجتماع جدید می‌باشد.

اندیشه اصلاح و درمان و بازپروری در اسناد بین‌المللی منعکس شده است. به عنوان مثال می‌توان به قواعد حداقل لازم الزامیه راجع به طرز رفتار اصلاحی با زندانیان مصوب ۱۹۵۵ و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در سال ۱۹۶۶ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد اشاره کرد که در سال ۱۳۵۴ به امضای دولت ایران رسیده و مجلس نیز آن را به تصویب رسانده است. (تمجید، ۱۳۸۱: ۹۷)

مفاد همین قواعد و مقررات بود که قبل از انقلاب و بعداً توسط دولت جمهوری اسلامی ایران با تدوین آیین نامه‌هایی تحت عنوان آیین نامه اجرایی حبس در سال ۱۳۷۲ و سپس اصلاحیه آن در سال ۱۳۸۰ به مرحله اجرا درآمد.

همه این معاهدات و مقررات و طرح‌های بین‌المللی و داخلی در جهت انسان کردن مجازات حبس و اصلاح و درمان مجرمان پیش‌بینی و ارائه شده بودند اما به لحاظ مشکلات و ایراداتی که بر زندان و نحوه اجرای آن وارد می‌باشد جنبه‌های اصلاحی و بازپروری آن، نه تنها نتوانسته در درمان و اصلاح بزهکاران موفق باشد بلکه نرخ تکرار جرم ارتكابی توسط زندانیان بعد از آزادی از زندان افزوده شده است. در توجیه این امر به نظر می‌رسد که اصلاح و بازسازی در محیط بسته و تحت اجبار کارایی‌های لازم را نداشته و زندان با هر کیفیتی که باشد باز هم اثر اصلاحی آن نسبت به اصلاح و بازسازی در اجتماع کم‌تر است.

۳) بازدارندگی مرتکب (مجرم)

یکی از دلایل‌هایی که قانون‌گذار در انتخاب مجازات‌ها به نوع و شدت و ضعف آن توجه دارد ایجاد رعب و هراس در مردم است. معنای ترساندن مرتکب یا دیگران از تکرار یا ارتکاب جرم در نتیجه اعمال کیفر بر یک مرتکب، به عنوان یکی از اهداف کیفر یاد شده است در یک تحلیل دقیق‌تر، شاید بهتر باشد که ارباب را یک شیوه یا ابزار برای رسیدن به هدف کلی کلان یعنی پیش‌گیری یا کاهش جرم نامید. (نیکبخت، ۱۳۹۳: ۵۶)

همین ویژگی راهنمای قانون‌گذار در مجازات‌های اعمالی است که بیش‌ترین اختلال را در نظام اجتماعی پدید می‌آورد. مایه تشویش اذهان عمومی است. قانون‌گذار با این تصور که ترس از مجازات سنگین ممکن است بزهکاران احتمالی را از اندیشه‌های شروانه منصرف کند، با اجرای آن امیدوار است درس عبرتی به آنان داده باشد. (اردبیلی، ۱۳۸۲: ۱۲۸)

هم‌چنین از دلایل وضع و اجرای مجازات‌ها آن است که با ایجاد ترس در توده مردم، مانع می‌شود که افراد دیگر (غیر از مجرم) در آینده مرتکب جرم شوند. بنابراین ارباب عام یعنی تأثیر مجازات بر دیگران، یعنی افرادی غیر از مرتکب که ممکن است به فکر ارتکاب جرم باشند یا بعداً چنین فکری در آن‌ها ایجاد گردد.

۴) بازپذیری مجرم

رویکرد بازپذیری مجرم به منظور جلوگیری از تکرار جرم است. هدف در زمینه اصلاح مجرمان به منظور جلوگیری از تکرار جرم، است می‌توان ضمن بازسازی شخصیت مجرمان آن‌ها را برای زندگی اجتماعی سالم آماده کرد. در بازجامعه‌پذیری مجرمان که همان دوباره اجتماعی شدن است، سعی می‌شود با اصلاح شیوه‌ها، داده‌ها و منابع باز‌پذیری اولیه، مجرمان در مسیر صحیح زندگی اجتماعی قرارگیرند، تا از این طریق الگوهای صحیح زندگی کردن در اجتماع را کسب نموده و به مدد آن‌ها بدون ارتکاب مجدد جرم به زندگی عادی اجتماعی بپردازند.

بازپذیری و اصلاح مجرم به معنای تغییر عادت های ذهنی و رفتاری مجرم است به نحوی که او مجدداً مرتکب جرم نشود. طرق آستی بزهکار و انطباق وی با جامعه در حقوق جزا و جرم شناسی با یکدیگر متفاوت بوده و هر کدام به نوعی آن را مورد بررسی قرار داده اند هر چند که در دوران های کهن مجازات با هدف ارباب انگیزی اعمال می شد ولی کارایی واقعی آن برای بازسازی مجرم و ورود مجدد وی به اجتماع توسط اکثر حقوق دانان زیر سوال رفته و مجازات های بی رحمانه به منظور ترساندن بزهکاران احتمالی و جلوگیری از تکرار جرم توسط مجرمین تأثیری در حجم و نرخ بزهکاری نداشته است. بنابراین اصلاح و بازسازی مجرم از دید حقوق کیفری، به معنای دوباره تربیت کردن وی از طریق تنبیه است. البته هدف، بهبودی اخلاقی بزهکار نیست؛ زیرا برای حقوق کیفری، بهبود اجتماعی که مجرم سابق را به سوی پیروی از قواعد اولیه زندگی در جامعه سوق دهد؛ کافی است. بنابراین حقوق جزا سعی دارد با اعمال مجازات بزهکار را اصلاح نماید بتواند دوباره به جامعه رعایت شریاتی که در قانون مشخص شده (مواد ۳۸ الی ۴۰ ق. م. ا مصوب ۱۳۷۰) با اعمال آزادی مشروط به جامعه بازگردد.

کار عام المنفعه در نظام کیفری ایران

فرهنگ سازی برای اجرای مجازات خدمات عام المنفعه به عنوان مجازات جایگزین حبس بسیاری از افراد جامعه حبس زدایی را مترادف با آزاد گذاشتن مجرم و بی عدالتی دادگاه ها قلمداد می کنند. از این رو، الزم است برای عموم مردم و قضات در راستای اجرای مجازات های جایگزین حبس به طرقی هم چون: بسترسازی، آموزش، تبلیغات گسترده در رسانه ها و... فرهنگ سازی صورت گیرد. برای مثال در خدمات عام المنفعه، دستگاه ها باید با دقت انتخاب شوند تا با نوع جرم فرد تناسب داشته باشد، علاوه بر این، باید توجه شود که حضور فرد در اجتماع سبب برچسب زنی و رسوایی بیش تر وی نشود. مجریان و دست اندرکاران دستگاهی که فرد محکوم در آن خدمت می کند باید آمادگی الزم را برای پذیرش و حضور محکوم داشته باشند. (جاوید و شاهمرادی، ۱۳۹۴: ۲۸)

کارکردهای خدمات عام المنفعه براساس آیین نامه اجرایی ماده ۷۹ (ق. م. ا)

۱) کارکرد معنویت گرایی:

مداقه در مفهوم و منطق آیین نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی که به تشریح و توصیف خدمات عمومی رایگان یا عام المنفعه، به عنوان مجازات بدل از حبس می پردازد، بر اساس اصل تبادر، اولین مفهومی که به ذهن خواننده خطور می کند آن است که، این مفاهیم و عناوین مندرج در آیین نامه اجرایی خدمات عمومی رایگان، گرچه در قالب کیفر بیان شده اند ولیکن همگی کارکرد معنویت گرایی و فضیلت پیشگی برای بزهکار، دارند.

۱- بند الف ماده ۲ آیین نامه بیان داشته: خدمات عمومی رایگان، باید علم محور، فرهنگ محور، دین محور، هنر محور، فن محور، مهارت محور باشند و موجب آموزش سبک زندگی معنویت گرایی و فضیلت پیشگی بزهکار شود. این عناوین مورد تقاضای قانون گذار اماره بر آن است که غرض قانون گذار از اجرای خدمات عام المنفعه توسط بزهکار، آن است که بزهکار را تبدیل به یک انسان معنویت گرا با زندگی سعادت مندانه و آراسته به صفات انسانی مذکور نماید. انجام خدمات عمومی رایگان به منزله یک کارخانه تصفیه کننده است که بزه، آلودگی و پلیدهای ناشی از جرم در این کارخانه زدوده شود و انسانی پاک و آراسته به فضایل معنوی بعد از طی دوران محکومیت از آن بیرون آید.

۲- بند ۲ ماده ۲۲ آیین نامه بیان داشته: خدمات عمومی رایگان، باید بهداشت محور، درمان محور، توان بخش محور، باشند و موجب بهداشتی شدن نهاد بزهکار، درمان و سلامت یافتن بزهکار و توانایی خودمدیریتی بزهکار برای یک زندگی معنوی مستقل شود. این عناوین بیان شده قانون گذار اماره بر آن است که غرض قانون گذار از اجرای خدمات عام المنفعه توسط بزهکار، آن است که بزهکار را تبدیل به یک انسان مستقل، توانمند در مدیریت خود، و سلامت یافته از تمامی آثار بیماری ناشی از بزهکاری کند. انجام خدمات عمومی رایگان به منزله یک درمانگاه مجهز است که، آلودگی ناشی از جرم در این درمانگاه دفع می شود و بزهکار که به مثابه یک شخص بیمار

است درمان می شود، سلامتی خود را به دست می آورد و تبدیل به یک انسان کامل و توان یافته برای یک زندگی سالم و بهداشتی می شود.

بند پ و ث ماده ۲ آیین نامه بیان داشته: خدمات عمومی رایگان، باید حرفه محور، کارخانه محور و کارگاه محور، باشند و موجب فن سالاری و حرفه مداری بزهکار، گردد. بزهکار باید دوران محکومیت را در پایگاه های عمرانی نظیر راه سازی، سدسازی و ساختمان سازی بگذراند تا بعد از پایان دوره محکومیت، به یک انسان متخصص در امور فوق تبدیل شود، مبرهن است که قانون گذار می خواهد از طریق انجام خدمات رایگان در مراکز عمرانی مذکور یک انسان بزهکار را تبدیل به یک انسان متخصص و فن سالار نماید و فن سالاری و تخصص محوری از فضایل معنوی است که کارکرد خدمات عمومی را نشان می دهد. همچنین بند ج ماده ۲ آیین نامه موصوف اشاره به اشتغال بزهکار در دوره محکومیت به امور کشاورزی، دامداری و باغبانی دارد. در این جا قانون گذار پیش بینی نموده که ممکن است شخص بزهکار استعداد صنعت و مشاغل هوش محور را نداشته باشد و باید از قدرت فیزیکی و بدنی او استفاده کرد تا بتوان در کارگاه طبیعت و بهره وری او از زراعت، کشاورزی و باغداری بهره عمومی برای جامعه به عمل آید. همه این مشاغل فضیلت محورند و مورد سفارش دین و فرهنگ ایرانیان می باشند. در این جا، بزهکار در کارگاه و آغوش طبیعت مداوا می شود و به بشریت سود می رساند و در نهایت فلسفه خدمات رایگان تحقق می یابد.

۲) تأمین نیازهای عمومی جامعه

اندیشه خدمت عمومی در تمام دوران حکومت ها، حتی حکومت های استبدادی از جانب فلاسفه و اخلاقیون و مصلحان جامعه به زمامداران پیشنهاد شده است. مفهوم خدمات عمومی از مفاهیم راهبردی و بنیادین حقوق عمومی به شمار می رود؛ بدین جهت نه تنها کم تر از جایگاه مفهوم اقتدار عمومی نیست، بلکه می توان گفت: این دو مفهوم دوشادوش هم دو پایه غیرقابل انکار حقوق عمومی را تشکیل می دهند. از خدمات عمومی تعاریف مختلفی ارائه شده است؛ نقطه مشترک تمام این تعاریف، تأمین نیازهای عمومی جامعه است. بنابراین می توان گفت: خدمات عمومی، فعالیت هایی هستند که نهادهای عمومی یا خصوصی، زیر نظر اشخاص عمومی برای برآورده کردن نیازهای همگانی انجام می دهند و حقوق اداری به مثابه حقوق حاکم بر خدمات عمومی در این اندیشه نمود پیدا می کند، اندیشه ای که متضمن مشروعیت قدرت و دولت می باشد و شایستگی بقای دولت به آن وابستگی تام دارد. (رضایی زاده و کاظمی، ۱۳۹۲: ۲۴)

همچنین خدمات عمومی عبارت است از: هرگونه امری که باید از طرف دولت تنظیم، تأمین و کنترل شود. زیرا وجود آن برای تحقق و توسعه همبستگی اجتماعی ضروری بوده و طبیعت آن به گونه ای است که تأمین آن به طور شایسته به وسیله دولت ممکن و میسر است.

۳) اعطای فرصت جبران خسارت اجتماعی

خدمات عام المنفعه یک فرصت است که، دادگاه به مجرم پیشنهاد می کند تا با انجام کاری به نفع جامعه، به جای حبس، در صدد جبران خطای ارتكابی برآید. خدمات اجتماع محور نه تنها فاقد خطرات و معایب حبس است، بلکه باعث ارتقای رشد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تربیتی می شود. انجام خدمات عمومی از سوی محکوم، مترادف با بیگاری و کار اجباری نبوده بلکه در جهت بازپروری و اصلاح محکوم علیه از رهگذر جلوگیری از آثار منفی محکومیت به حبس، بهره گیری از ظرفیت های بازپروری، اشتغال به کارهای عام المنفعه و نیز جبران خسارت هایی است که مجرمان به واسطه ارتكاب جرم به اجتماع وارد کرده اند.

با عنایت به ناکارآمدی حبس به ویژه حبس های کوتاه مدت در زمینه بازدارندگی و اصلاح و درمان بزهکاران به لحاظ کنار گذاشتن مجرم از اجتماع و آشناسازی وی با فرهنگ حبس و مشکلات ناشی از حبس نظیر رواج مواد مخدر، شیوع بیماری های عفونی و خشونت، کشورها در صدد به کارگیری مجازات های جایگزین حبس بودند که با عنوان کیفرهای اجتماع محور شناخته می شوند. قانون گذار ایران در سال ۱۳۹۲ مجازات های جایگزین حبس را وارد قانون مجازات اسلامی کرد؛ یکی از مصادیق این نهاد خدمات عمومی رایگان یا همان

خدمات عام المنفعه می باشد که قضات محاکم با رعایت شرایط مقرر می‌توانند مجرم را بدون نگه داشتن در حبس تحت نظر قاضی اجرای احکام به نفع جامعه بدون پرداخت دستمزدی به کار مشغول کنند.

خدمات عمومی یکی از تدابیر جایگزین حبس نوجوانان بزهکار به شمار می آید که به موجب آن، به شخص محکوم بزهکار پیشنهاد می‌شود از طریق انجام کاری (رایگان) به نفع جامعه، در عوض حبس، در صدد جبران خطایی برآید که مرتکب شده است. خدمات عمومی به معنای کار و وظیفه ای است که به نفع تمام اعضای جامعه صورت می گیرد. (خالقی، ۱۳۸۶: ۳)

۴) بازاجتماعی کردن مجرم

یکی دیگر از کارکردهای خدمات عام المنفعه، بازاجتماعی کردن بزهکار است. بزهکار کار و خدمات خود را در بستر جامعه و میان مردم انجام می دهد در نتیجه تحت تأثیر زندگی اجتماعی و مدنی قرار می گیرد. بزهکار با وظایف، تکالیف و مسئولیت های اجتماعی خود آشنا می شود. مجرم با اعمال این مجازات قواعد زندگی در اجتماع را می آموزد، سعی در اصلاح رفتار گذشته خود دارد و با اصلاح مجرم هدف اجتماعی کردن مجرم محقق می شود. هدف کارهای عام المنفعه فراهم کردن مجازات اجتماعی ارزشمندی است که می‌تواند باعث اصلاح و درمان، و بازسازی اجتماعی مجدد محکوم علیه از طریق اجتناب از آثار سوء محکومیت شود. زیرا اجرای منظم و هدفمند و همراه با مسئولیت یک کار رایگان و تضمین لازم جهت جبران خسارت و ترمیم آن به وسیله فرد آثاری جز اصلاح و درمان مجرم و جامعه ندارد. از طرفی خدمات عمومی به عنوان کیفر مستقل برای حبس بوده و آثار مخرب حبس را نداشته، بلکه آثار مثبتی در زمینه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی نیز دربر داشته است و به مجرم نشان می‌دهد که جامعه از مجرمیت او متأثر است و به او به عنوان یک عنصر سودمند و سازنده نگاه می کند. بنابراین می‌توان گفت: علاوه بر آثاری که این مجازات بر روح و روان مجرم دارد، بر پیکره اجتماع نیز اثرگذار است. به علاوه مجرم سعی در جبران خسارت وارد بر بزه‌دیده دارد و از این طریق حسن نیت خود و قابلیت ورود مجدد به جامعه را نشان می‌دهد. (توسلی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۴-۱۵)

ویژگی های کار عام المنفعه در قانون ایران مطابق ماده ۸۴ (ق. م. ا)

مطابق ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی، خدمات عام المنفعه دارای ویژگی‌های زیر است:

- رضایی بودن: تعیین نوع خدمات عام المنفعه به پیشنهاد دادگاه و با رضایت و انتخاب شخص محکوم به حبس است.
- نظارت پذیری: قاضی اجرای احکام بر نحوه کمی و کیفی خدمات مورد توافق دادگاه و محکوم علیه نظارت می کند.
- قانونی بودن مجازات‌ها: قاضی دادگاه مطابق تبصره ۲ ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ نمی تواند برخلاف اصول دادرسی، از حیث شکلی و جهت محتوایی حکم به انجام خدمات عام المنفعه دهد. زیرا صدور حکم به ارایه خدمات عمومی مشروط به رعایت همه ضوابط و مقررات قانونی مربوط به آن خدمت ازجمله شرایط کار زنان و نوجوانان، محافظت های فنی و بهداشتی و ضوابط خاص کارهای سخت و زبان آور است.
- معین بودن مقدار و ساعات ارایه خدمات رایگان: مطابق تبصره یک ماده ۸۴ قانون مذکور ساعات ارائه خدمات عمومی برای افراد شاغل بیش از چهار ساعت و برای افراد غیرشاغل بیش از هشت ساعت در روز نیست.

اصول حاکم بر کار عام المنفعه بر اساس آیین‌نامه

۱) میزان ساعات کار

الزام ناشی از اصل قانونی بودن کیفر و قاعده تناسب واکنش اجتماعی با خطای ارتكابی، مقنن را ملزم می‌سازد تا میزان و مدت زمان اعمال مجازات را به دقت معین نماید، اما قانون گذار پیوسته با این پرسش اساسی روبروست که؛ کم‌ترین و بیش‌ترین مقدار هر کیفر را برمبنای چه شاخص و معیاری مشخص کند. پاسخ به این پرسش چندان ساده نیست. این مشکل در خصوص انجام خدمات عمومی به مراتب بیش‌تر نمود دارد. چند ساعت کار متناسب با ارتكاب چه بزه‌ی است؟ در برخی سیستم های کیفری برای پاسخ به این پرسش،

ضابطه و ملاک خاصی را مقرر داشته اند. معیار مزبور بر پایه مجازات حبس بنا شده است. اما این ضوابط تناسب چندانی بایکدیگر ندارند، علی رغم وجود اختلاف معیار در کشور های مختلف، ولی میزان ساعات کار به طور متوسط در اکثر سیستم های کیفری، بین کمترین ۴۰ و بیشترین ۲۴۰ ساعت مقرر شده است. در ایران میزان ساعات خدمات عمومی رایگان نیز بر حسب مدت زمان حبس، متغیر است (سیستم حداقل و حداکثر). مدت مذکور، متناسب با شدت و نوع جرم ارتكابی تعیین می شود. (مواد ۸۳ و ۸۴ ق.م.ا.ا.). این ساعات به شرح ذیل تنظیم شده است:

- حداکثر سه ماه حبس، تا دویست و هفتاد ساعت.
- نود و یک روز تا شش ماه حبس، دویست و هفتاد تا پانصد و چهل ساعت، همچنین در جرایمی که نوع - و میزان تعزیران هادر قوانین موضوعه تعیین نشده است.
- بیش از شش ماه تا یک سال حبس، پانصد و چهل تا هزار و هشتاد ساعت.
- بیش از یک سال حبس (در جرایم غیر عمدی)، هزار و هشتاد تا دوهزار و صد و شصت ساعت.

افرادی که به انجام خدمات عمومی محکوم می شوند، برای اجرای داوطلبانه ی آن در ساعات های مقرر به یکی از مؤسسات عمومی فرستاده می شوند و در جریان اجرای مجازات مذکور، محکوم موظف می شود که کاری رایگان را انجام دهد؛ به عبارت دیگر، محکومان بیش تر به انجام کار مورد نیاز گماشته می شوند، لذا اولاً برای چنین کاری استخدام نمی شوند و ثانیاً در نتیجه ی محکومیت بزهکار به انجام خدمات عمومی رایگان، شغلی عاید مجرم نمی شود. باید توجه داشت ساعات تعیین خدمات عمومی می بایستی به گونه ای باشد که امرار معاش شخص محکوم را مختل نسازد و فرد بتواند در کنار انجام خدمات عمومی هزینه خانواده اش را نیز تأمین نماید، به همین دلیل است که تبصره ۱ ماده ۸۴ مقرر داشته است «ساعات ارائه خدمت عمومی برای افراد شاغل بیش از چهار ساعت و برای افراد غیر شاغل بیش از هشت ساعت در روز نیست» به به عبارت دیگر، اگر مجرم بیکار باشد خدمات عمومی به عنوان یک کار روزانه چند ساعته (معمولاً هشت ساعته) در نظر گرفته خواهد شد و در صورت شاغل بودن محکوم باید مراقب بود تا اعمال مجازات مذکور باعث از دست دادن شغل او نشود.

اگر انجام خدمات عمومی رایگان موجب از دست رفتن شغل بزهکار گردد و مجرم موظف گردد هشت ساعت در روز به خدمات رایگان، مبادرت ورزد با اهداف مجازات موصوف هم سو نبوده و تبعات منفی بدی را به دنبال خواهد داشت. ضرورت دارد در چنین مواردی، خدمات عمومی در وقت آزاد و پس از ساعات های کار رسمی یا در پایان هفته کاری مورد حکم قرار گیرد تا با کار اصلی محکوم تداخل پیدا نکند و لازم است این موضوع باید با نهادهای پذیرنده نیز هماهنگ شود. ممکن است محکوم بیکار بوده و به انجام خدمات عمومی محکوم شده باشد و حین اجرای حکم و در طول مدت انجام خدمات عمومی به شغلی دست پیدا کرده باشد، حکم مذکور باید با توجه به کار جدید محکوم تغییر پیدا کند و مورد تجدید نظر قرار گیرد.

۲) عدم دریافت مزد

طبق تبصره ۲ ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی حکم به ارائه خدمت عمومی مشروط به رعایت همه ضوابط و مقررات قانونی مربوط به آن خدمت از جمله شرایط کار زنان و نوجوانان، محافظت های فنی و بهداشتی و ضوابط خاص کارهای سخت و زیان آور است، از جمله توابع و متعلقات ناشی از حق کار، دریافت مزد است. تعیین و پرداخت حق الزحمه کارگر، که از آن با عنوان حق السعی نام برده شده است، از جمله مؤلفه های اساسی قرارداد کار به حساب می آید. در قرارداد کار علاوه بر درج مشخصات کارگر و کارفرما (نوع کار، وظایف کارگر، ساعت، محل و مدت) باید مزد و اجرت کارگر در آن معین شده باشد.

افراد ممکن است قبول کنند که خدمات عمومی انجام دهند اما هنگامی در برابر این خدمات در ساعات زیاد مشغول کار شوند و دستمزدی دریافت نکنند ممکن است این تصور برایشان ایجاد شود که خدمات آن ها شبیه به بیگاری شده واز کار فرار کنند.

باتوجه به نقش و اهمیت مزد در روابط ناشی از کار؛ سؤال آن است که در محکومیت بزهکار به انجام خدمات عمومی، عدم پرداخت مزد چگونه قابل تحلیل است؟ پاسخ آن است که وقتی انجام کار، وارد حوزه حقوق کیفری وارد می شود، به عنوان مجازات و ضمانت اجرای

کیفری محسوب می‌گردد، بنابراین در این قلمرو جدید تابع احکام جدید خواهد بود. از آن‌جا که بخشی از خصیصه مجازات، تحمیل سختی و مشقت هدف دار و معقول بر محکوم علیه است، بنابراین برای ایجاد آن لازم است تا انجام کار بدون دریافت مزد صورت گیرد تا نتایج اعمال ضد اجتماعی خود را درک نموده و متنبه شود. (خالقی، ۱۳۸۶: ۱۳۶)

شرط عدم دریافت مزد در قوانین جزایی بسیاری از کشورها نیز به صراحت قید شده است. در محکومین اطفال و نوجوانان گاهی به عنوان پاداش حسن کار، مبلغی به آنان پرداخت می‌گردد تا احساس غرور کرده و حس اعتماد به نفس در آنان تقویت و کارهای ارجاعی را با دقت انجام دهند. میزان پاداش، بایستی تا میزان یک دهم مزد کارگران شاغل در همان رشته باشد. (دانش، ۱۳۷۸: ۲۰۸)

ضرورت دارد قانون‌گذار جمهوری اسلامی جهت حفظ منافع شخص محکوم علیه و ترغیب و تشویق او به تبعیت از قواعد و مقررات اجتماعی اولاً ذهنیت محکوم علیه را نسبت به نوع برخورد بیگاری مآبانه پاک ساخته و در قبال خدمات عمومی کارمزدی را هرچند ناچیز برای او در نظر بگیرد ثانیاً تا در اصلاح و تهذیب او شتاب ایجاد و ثالثاً همسو با مقررات مورد نظر قانون‌گذار مذکور در تبصره فوق‌الذکر گردد.

۳) نظارت و مراقبت

اجرای صحیح و مؤثر ضمانت اجرای خدمات عمومی رایگان، مستلزم وجود نظارت و مراقبت است. این که شخص محکوم به درستی خدماتی که بر عهده دارد را انجام دهد از اهمیت فراوانی برخوردار است. کنترل، مراقبت و نظارت بر عملکرد محکوم علیه باید از طریق مأموران مراقبت و با هدایت قاضی اجرای مجازات‌ها، صورت گیرد. مأموران مراقب گزارش نحوه انجام کار، کمیت و کیفیت خدمات را تهیه کرده و در پرونده اجرایی محکوم، بایگانی می‌کنند. گزارش عملکرد شامل حضور به موقع در محل کار، انجام وظایف محوله، عدم تعلل و تأخیر در ادای وظیفه، رعایت ضوابط حاکم بر کار و... می‌باشد. مسؤولان و متصدیان محل انجام کار نیز در تهیه گزارش با مأموران مراقب باید همکاری لازم را داشته باشند.

به موجب ماده ۹ آیین نامه اجرایی نهاد پذیرنده محکوم علاوه بر رعایت مسائل امنیتی و حفاظتی در خصوص به‌کارگیری محکوم، مکلف است ضمن نظارت بر عملکرد محکومان معرفی شده، به صورت ماهانه گزارش تفصیلی محکومان را با اعلام نظر صریح در خصوص شروع به کار و نحوه انجام خدمات شامل، ساعات حضور روزانه، میزان غیبت و تأخیر و هرگونه بی‌نظمی و کوتاهی در انجام خدمت محوله و میزان رضایت‌مندی نهاد پذیرنده و مراجعان از خدمت ارائه شده را به نحو کامل به اجرای احکام مربوط گزارش نماید. چنان‌چه برآورد مجموع گزارش‌های مأموران نشان دهد که محکوم علیه در مدت زمان مشخص شده، خدمات موردنظر را به درستی انجام داده است، مجازاتش خاتمه می‌یابد. اگر مأموران مراقب، نقض شرایط کار و ارتکاب تخلفی از جانب محکوم علیه را گزارش دهند، دادگاه با توجه به نوع تخلف، ممکن است میزان ساعات کار و خدمت وی را اضافه نماید یا در صورت اقتضاء، مجازات متناسب دیگری را بر او تحمیل کند. (نقارچی، ۱۳۹۴: ۷۲-۷۳)

به موجب ماده ۱۲ آیین نامه مذکور، قاضی اجرای احکام با توجه به گزارش ماهانه نهاد پذیرنده و وضعیت شخصی، خانوادگی و اجتماعی محکوم و آثار اجرای حکم و سایر جهات در چارچوب ماده (۷۷) قانون و سایر گزارش‌های واصله، حسب مورد تخفیف یا تبدل یا توقف موقت یا تشدید مجازات خدمات عمومی رایگان را وفق مقررات قانونی به دادگاه صادرکننده رأی پیشنهاد می‌کند. باید توجه داشت برخی از مجرمین در حین انجام خدمات عمومی رایگان ممکن است، مرتکب جرایم جدیدی نیز شوند، بنابراین یکی از مهم‌ترین بخش اجرای این تدبیر استفاده از نظارت کنندگان متخصص و متبحر است، تا بتوانند بر چگونگی اجرای این نوع مجازات نظارت کامل و مؤثر داشته باشند تا در سایه آن بخشی از اهداف مورد نظر مقنن و دولت حاصل شود. بدیهی است زمانی که بزهکار، تحت کنترل قرار می‌گیرد، همین امر موجب کاهش دسترسی او به دیگر فرصت‌های مجرمانه می‌شود. ضمن این که تشکیل پرونده شخصیت نیز می‌تواند زمینه‌های اصلاح و درمان او را فراهم سازد.

۴) ملاقات و مرخصی

یکی از موارد قابل توجه در بحث مجازات خدمات عمومی رایگان موضوع مرخصی و ملاقات شخص محکوم علیه است. این که آیا نوع مرخصی و ملاقات این نوع محکومان که در آیین نامه اجرایی ذکر نشده است، به مانند محکومان به حبس و بر اساس آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی سال ۱۳۸۴ است یا خیر؟ آیا آن چه را که در آیین نامه مذکور مطرح گردیده را می شود نسبت به مجازات مورد بحث تسری داد یا خیر؟ محل تأمل است. جهت دست یافتن به پاسخ ضرورت دارد نگاه اجمالی نسبت به دو موضوع ملاقات مرخصی در آیین نامه پیش گفته گردد.

در خصوص ملاقات و به موجب مواد ۱۷۴ الی ۱۸۲ آیین نامه موصوف، اولاً کلیه زندانیان اعم از متهم و محکوم تحت نظارت کامل و طبق مقررات این آیین نامه مجاز به داشتن ارتباط با بستگان و آشنایان خود می باشند و این ارتباط به وسیله ملاقات و مکاتبات انجام می پذیرد. چنانچه ملاقات یا مکاتبه متهمی مخالف حسن جریان محاکمه باشد قاضی مربوطه می بایست کتباً ملاقات با زندانی یا مکاتبه وی را ممنوع اعلام کند. در این صورت و در مدت ممنوعیت حسب مورد ملاقات با زندانی و یا مکاتبه او فقط با اجازه کتبی مراجع قضائی ذیصلاح مجاز می باشد. ثانیاً محل ملاقات عمومی زندانیان حتی الامکان بایستی مجهز به دیوارهای شیشه ای نشکن و وسائل تلفن و لوازم ضد صوت باشد و وسائل مذکور باید طوری تعبیه گردد که هنگام ملاقات و مکالمه زندانیان با اشخاص، مزاحمت برای سایرین فراهم نگردد و مکالمات به سهولت انجام پذیرد. ثالثاً زوج یا زوجه، پدر، مادر، برادر، خواهر و فرزندان زندانی و همچنین پدر و مادر همسر وی حق دارند طبق شرایط ملاقات های هفتگی با زندانی ملاقات کنند و سایر بستگان و دوستان زندانی در صورت درخواست با کسب اجازه از طرف رئیس زندان یا قاضی ناظر زندان می توانند ملاقات کنند. رابعاً زندانیانی که حسن رفتار و کردار داشته باشند با صلاح دید رئیس زندان می توانند با همسر و فرزندان و پدر و مادر و برادر و خواهر و پدر و مادر همسر خود با حضور مأمور مراقب ملاقات حضوری نمایند. خامساً زندانیان مؤسسات صنعتی، کشاورزی و خدماتی نیز می توانند حداقل هفته ای یکبار با اشخاص مذکور در ماده ۱۷۷ ملاقات نمایند. سادساً محل ملاقات این گروه از زندانیان در محل مناسبی که به این منظور اختصاص داده می شود انجام خواهد شد در این صورت حضور یک مأمور مراقب ضروری است. سابعاً زندانیان با موافقت رئیس زندان یا قاضی ناظر زندان در مواردی می توانند ملاقات خصوصی بدون حضور مراقب با همسر و فرزندان خود داشته باشند. ثامناً برنامه ملاقات عمومی در هر زندان از نظر روز و ساعت متناسب با فصول سال و نیاز هر محل به وسیله رئیس زندان تهیه و با تصویب مدیرکل مربوطه آگهی می شود. تاسعاً برنامه ملاقات باید به گونه های تنظیم شود که زنان و مردان ملاقات کننده و ملاقات شونده بتوانند به طور جداگانه با یکدیگر ملاقات نمایند. برنامه ملاقات عمومی باید به گونه ای تنظیم شود که هر زندانی حداقل هفته ای یکبار ملاقات داشته باشد و مدت آن کم تر از ۲۰ دقیقه نباشد.

در خصوص اعطای مرخصی و به موجب مواد ۲۱۴ الی ۲۱۷ ذکر مواردی ضروری است: اولاً شرایط اعطای مرخصی که عبارت است از: الف) محکومین به حبس تا ۱۵ سال باید حداقل ۱/۶ (یک ششم) از مدت حبس و محکومین بیش از ۱۵ سال و حبس ابد حداقل سه سال از مدت محکومیت خود را سپری کرده باشند.

محکومینی که دارای سابقه محکومیت در جرائم عمدی باشند، به ازای هر سابقه محکومیت یک ماه به نصاب مذکور اضافه می شود. ب) محکومینی که به لحاظ عدم پرداخت جزای نقدی یا عدم تأدیه محکومیت مالی (موضوع مادتین ۱ و ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی) و یا هر دو در زندان بسر می برند، در صورتی که حداقل یک ماه بابت محکومیت مذکور تحمل حبس نموده باشند. ج) کسب حداقل ۲۰۰ امتیاز برای هر نوبت مرخصی با توجه به معیارهای مقرر در آیین نامه است. ثانیاً میزان مرخصی به این شرح می باشد: الف: به محکومین حبس جرائم غیر عمدی و محکومینی که صرفاً به دلیل عدم پرداخت جزای نقدی، دیه و یا محکومیت های مالی غیر کیفری در زندان نگهداری می شوند در صورت کسب امتیازات لازم به ازای هر دو ماه سه تا پنج روز مرخصی تشویقی اعطاء می گردد. ب: به محکومین سایر جرائم که امتیازات لازم را کسب نمایند در صورت فقدان سابقه محکومیت در جرائم عمدی به ازای هر سه ماه و در صورت وجود سابقه محکومیت در جرائم عمدی به ازای هر چهار ماه سه تا پنج روز مرخصی تشویقی اعطاء می گردد. ج: زنان سرپرست خانوار و مادران دارای فرزند کم تر از ده سال در صورت کسب امتیازات لازم و فقدان سابقه عمدی محکومیت به ازای هر دو ماه سه تا پنج روز مرخصی تشویقی اعطاء می گردد. د: کسب امتیاز بیش تر از سقف تعیین شده، موجب تمدید مرخصی تشویقی

برای زندانیان محکوم در پایان هر دوره مرخصی خواهد بود. تعیین مدت تمدید مرخصی به عهده شورای طبقه بندی بوده و در هر صورت نباید این مدت بیش تر از سقف مرخصی در هر دوره باشد. ه: چنانچه فاصله محل سکونت زندانی تا محل تحمل کیفر وی بیش از صد کیلومتر باشد، به تشخیص شورای طبقه بندی و به تناسب فاصله راه بین یک تا چهار روز برای ایاب و ذهاب به مدت مرخصی افزوده خواهد شد.

با توجه به مراتب فوق الذکر به نظر می رسد موضوع مجازات خدمات عمومی رایگان چون دارای عنوان و ماهیت مستقلی است، قواعد و مقررات مطرح در آیین نامه اجرایی سازمان زندانها بر موضوع مجازات مورد بحث حکومت ندارد، بلکه صرفاً برای محکومان یا متهمانی است که در زندان بسته یا مراکز حرفه آموزی و اشتغال محبوس هستند اجرا می گردد از آن جایی که تحمل مجازات حبس شدیدتر از مجازات بدیل می باشد، قانون گذار با تصویب آیین نامه سازمان زندانها حق ملاقات و مرخصی را برای زندانیان در نظر گرفته است، عقل و منطق حکم می کند که حقوق پیش گفته برای محکومانی که موضوع مجازات خدمات عمومی رایگان هستند هم لحاظ گردد، چرا که در عمل مواقعی پیش خواهد آمد که شخص محکوم نیاز به ملاقات با خانواده داشته یا مرخصی برای انجام اموری نیاز دارد؛ لذا ضرورت داشت که قانون گذار در آیین نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در خصوص دو موضوع ملاقات و مرخصی حکم صریحی را بیان می کرد، اما در حال حاضر به نظر می رسد آن چه را قاضی اجرای کیفری با هماهنگی قاضی صادر کننده رأی تشخیص داده می تواند با تفسیر قوانین به نفع محکوم، محور اعمال دو حق موصوف باشد.

نگاهی به تاریخچه کار عام المنفعه در جهان

استفاده از نیروی کار مجرمان، اختصاص به سده اخیر نداشته و سابقه ای طولانی دارد. در دوره دادگستری خصوصی، خانواده مجرم، به خاطر حفظ امنیت و تمامیت خود، وی را به خانواده زیان دیده تسلیم می کردند تا به نحو مقتضی مجازات شود. مجرمی که به این نحو تحویل داده می شد، لزوماً محکوم به مجازات مرگ نمی شد؛ بلکه ملاحظات اقتصادی، در بعضی واقع باعث می شد که خانواده زیان دیده، او را به بردگی درآورند و از کار او استفاده کنند. (صانعی، ۱۳۹۱: ۷۵)

اما اولین کسی که پیشنهاد استفاده از توان کاری مجرم را عوض از مجازات وی به طرق مرسوم طرح کرد، «بکاریا» در رساله جرایم و مجازات هایش بود. وی در مورد سرقت های بدون خشونت معتقد است:

این گونه سرقت ها باید با کیفرهای مالی مجازات شود؛ زیرا کسی که در صدد ثروتمند شدن با مال «دیگران است، باید شاهد ناچیز شدن ثروت خویش باشد. ولی چون معمولاً این جرایم ناشی از فقر و ناامیدی می شود. مناسب ترین کیفری که می توان آن را عادلانه نامید، فقط نوعی بردگی است؛ یعنی بردگی موقت که کار و مُرد مجرم را در خدمت جامعه قرار می دهد تا به این صورت خودکامگی ناعادلانه او که با نقض پیمان اجتماعی محقق شده، جبران شود.» (بکاریا، ۱۳۸۹: ۱۰۶)

هرچند بکاریا در نیمه دوم قرن هجدهم پیشنهاد استفاده از کارهای عام المنفعه را مطرح کرد، اما جامعه آن روز، در شرایطی نبود که به محض طرح چنین پیشنهادی، انتظار برآورده شدن و عملی شدن فوری آن را داشت؛ از این رو ملاحظه می شود که پس از گذشت بیش از یک قرن از آن زمان، یعنی در سال ۱۸۸۲، سناتور فرانسوی، میشو (Michoud) باز هم تأکید می کند که کار عام المنفعه وارد حقوق کیفری شود. و سرانجام، پس از گذشت سالها انتظار، در سال ۱۹۵۰ یک قاضی اطفال در برن (پایتخت سوئیس)، و هم چنین یکی از قضات بروکسل (پایتخت بلژیک)، بدون توجه به روشها و مجازاتهای مذکور در قوانین خاص اطفال، حکم به اشتغال خدمات عام المنفعه را صادر کردند. (دانش، ۱۳۷۸: ۱۸۵)

این اندیشه، امروزه نیز توسط نویسندگان و انجمن هایی مانند جامعه بین المللی جرم شناسی و بنیاد بین المللی کیفری و زندانها در چارچوب گردهمایی های سالیانه آنها توصیه می شود. همان طور که گردهمایی سال ۱۹۸۶ در کویمبرا (Coimbra)، موضوع جلسات خود را به کار عام المنفعه اختصاص داد و گردهمایی های سال ۱۹۸۷ در پواتیه (Poitiers) و سال ۱۹۸۸ در گرنینگن (Groningen) منجر به تهیه و تدوین حداقل قواعد برای اصلاح و درمان محکومان در محیط آزاد شد.

بررسی فایده و کارکرد عملی خدمات عام‌المنفعه در مقام جایگزین مجازات حبس

درحالی‌که اولین هدف مجازات حبس، متنبه کردن و اصلاح رفتار مجرمان به شمار می‌رود، اما عموماً خلاف کاران از یک‌دیگر اثر می‌گیرند. ضمن این‌که برخی محکومان درصدد انتقام گرفتن از جامعه برمی‌آیند و پس از آزادی، به دنبال اولین فرصت برای ضربه زدن هستند که موارد متعددی از این نمونه را در پرونده‌های مختلف دیده‌ایم. علاوه بر این، اگر فرد زندانی، سرپرست یک خانواده باشد، متعلقین به او نیز دچار آسیب‌های روحی، اجتماعی و اقتصادی می‌شوند و سهم خانواده برای مواجه‌شدن با پس‌لرزه‌های غیبت یک عضو مهم، ای‌بسا بیش از سهم جامعه باشد. زندانی پس از پایان مدت مجازات نیز یک فرد نه‌چندان اصلاح‌شده خواهد بود که مشکلات ناشی از این دوره را به‌احتمال زیاد به خانواده و جامعه منتقل خواهد کرد. موارد ذکرشده فقط زوایایی از آسیب‌های اجتماعی است و دایره این تبعات در مواردی که مجرم، یک فعال بخش اقتصادی و یا مدیر یک واحد تولیدی باشد، به‌مراتب وسیع‌تر خواهد بود. از این رو، نظام حقوقی قضایی ما به سمتی پیش رفته که ضمن کاهش مجازات حبس، کیفرهای جایگزین هم‌چون انجام خدمات عمومی و استفاده از توانمندی‌های متهمان را به مورد اجرا درآورد.

الف: کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها

یکی از مهم‌ترین فواید و اثر بخشی کار عام‌المنفعه به عنوان مجازات جایگزین حبس، تاثیر در کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها است. مجازات زندان دارای آثار سوء فراوانی است که از جمله آن‌ها می‌توان به افزایش جمعیت زندان‌ها اشاره کرد. این افزایش جمعیت کیفری هم برای دولت و هم برای خانواده‌ی فرد هزینه بردار است و پرداخت کنندگان مالیات هم چندان مایل به پرداخت هزینه هنگفت برای مجرمان نیستند.

باید توجه داشت که تجمع جمعیت کیفری در زندان‌های یک کشور، حاکی از بالا بودن میزان بزهکاری در کشور نیست، بلکه ممکن است این افزایش به‌دلیل صدور حکم به این مجازات باشد. سیاست‌مداران آمریکایی به دلیل تنبیهی بودن نظام کیفری این کشور، از طریق شعار «شدت عمل در برخورد با جرایم» که لازمه‌ی آن کیفر، سالب آزادی است، مشتاقانه تمایل خود را برای فرستادن مجرمان بیش‌تر به زندان و برای مدت طولانی‌تر اعلام می‌کنند.

بازنگری در کیفرها، از رهگذر توسل به مجازات‌های اجتماعی، نه تنها باعث جلوگیری از افزایش جمعیت زندان‌ها می‌شود بلکه حتی در برخی موارد مجازات‌هایی مثل «خدمات عمومی» و «جزای نقدی روانه» دارای بار مثبت مالی برای جامعه و دولت است. در کشور ما یکی از عواملی که موجب تهیه‌ی لایحه‌ی مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان شد انبوه جمعیت زندان‌ها بود. در طول یک دهه‌ی اخیر بدون توجه به ظرفیت زندان‌های کشور بر میزان جمعیت زندانی‌ها افزوده شد. (مقصودی، ۱۳۹۲: ۵۶)

بنابراین اعمال صحیح مجازات‌های اجتماعی نه تنها باعث صرفه جویی قابل توجهی برای هزینه‌های عدالت کیفری فراهم می‌کند و جامعه را از فعالیت و کوشش اقتصادی بزهکاران منتفع می‌گرداند، بلکه موجب کاهش محکومیت‌های «کیفر حبس» شده و در نتیجه فضای زندان صرفاً برای نگهداری از مرتکبان جرایم خطرناک در نظر گرفته می‌شود و از محکوم کردن مجرمان کم‌خطر به کیفر حبس کاسته می‌شود و آثار سوء بر روی آن‌ها جلوگیری می‌شود و به اصلاح و تربیت مجرمان خطرناک هم بیش‌تر توجه می‌شود. بنابراین یکی از اهداف اصلی مجازات‌های اجتماعی علاوه بر کاهش جمعیت کیفری زندان، صرفه جویی در هزینه‌هاست.

ب: مقابله با افزایش نرخ تکرار جرم

علی‌رغم تحولات بسیاری که در زندان‌ها ایجاد شده و شیوه‌های مختلفی که همگی داعیه‌ی اصلاح و درمان مجرم را داشته‌اند، امروزه زندان نه تنها مکانی برای اصلاح و درمان نیست بلکه مدرسه تکرار جرم است.

مطالعاتی که اخیراً در مورد جرم‌زا بودن زندان در فرانسه انجام شده است نشان می‌دهد که معمولاً حدود پنجاه درصد زندانیان که آزاد می‌شوند به طور متوسط چهار سال بعد دوباره مرتکب جرم می‌شوند. اظهارات مسئولین این کشور نیز مؤید جرم‌زایی زندان‌هاست، یکی از مسئولین زندان‌ها چنین اظهار می‌دارد:

«محکومیت‌های کوتاه مدت جز آن‌که یک اثر عمیق موهنی در روحیه افراد باقی گذاشته و در اداره‌ی امور زندان‌ها نیز اشکالات زیادی فراهم کند، هیچ فایده‌ی دیگری در برنخواهد داشت. شکی نیست که تصور منظره زندان برای کسانی که هنوز آن را ندیده‌اند، بسیار

رعب انگیزتر از زندگی در آن است و هنگامی که یک مجرم خفت و ننگ زندان را از نزدیک در خود مشاهده کرد مشکل است بتواند اثر آن را از ذهن خود دور سازد و چقدر مایه تاسف است که تازه این اشخاص پس از این که چند ماهی از کار خود بازماندند و کوچک ترین مطلبی بر معلومات قبلی شان افزوده نشده است با یک حس کینه جویی زندان را ترک می کنند.» (کیانپور، ۱۳۳۵: ۷۶-۷۷)

بنابراین یکی از اهداف اساسی «خدمات عام المنفعه جایگزین حبس» را می توان کاهش میزان تکرار جرم ذکر نمود. اجرای این مجازات ها باعث ناتوان سازی فرد برای ارتکاب جرم جدید می شود اما نه با روش های انفعالی بلکه با تاثیرگذاری و بازسازی اجتماعی مجرم، زیرا این مجازات ها غالباً آمیزه ای از «مجازات» و «بازسازی» هستند.

از جمله ویژگی های بارز مجازات های اجتماعی آن است که در بستر جامعه و از طریق نهادها و با مشارکت مردم اعمال می شوند. برای نمونه بانک های محل اجرای حکم جریمه نقدی روزانه، دریافت آن را برعهده خواهند داشت یا ممکن است خدمات عمومی در بیمارستان ها، خانه های سالمندان، پارک ها و ... اعمال شوند. به همین سبب به این مجازات می تواند مجازات جامعه مدار نیز اطلاق کرد. به بیان دیگر، بزهکار در جامعه باقی می ماند و در واقع آزادی خود را در عین تحمل کیفر صادر شده حفظ می کند.

همان طور که در ماده ی ۴ لایحه نیز به آن اشاره شده است، یکی از ویژگی های این مجازات ها جنبه مشارکتی آن ها است، اجرا و اعمال این مجازات ها به همکاری جامعه مدنی یعنی سازمان های مردم نهاد یا سازمان های غیردولتی و مردم نیازمند است.

بنابراین مجازات های اجتماعی چون در بستر جامعه اجرا می شوند، هرگز مجرم را از آغوش اجتماع دور نمی کنند و زمینه ی جامعه ستیزی و جامعه گریزی را در او بوجود نمی آورند، بلکه دوران محکومیت زمان پیوند خوردن و سازگار شدن مجرم با جامعه است. به خصوص مجرمانی که برای بار نخست مرتکب جرایم سبک شده اند و موجب نارضایتی و احساس ناامنی شهروندان نشده اند، زیرا آن چه آرامش روانی اجتماع را به هم می زند بی پاسخ ماندن یا تأخیر در پاسخ به جرم های خشونت آمیز است در صورتی که با اجرای مجازات های اجتماعی هم به انتظارات جامعه پاسخ داده شده، هم ارتباط فرد با جامعه حفظ می شود و جامعه پذیری و اصلاح و درمان مجرم آسانتر می شود و جامعه نیز چون خود را در اجرا و اعمال مجازات سهیم می بیند از این مجازات ها استقبال کرده و سعی در پذیرفتن مجدد او دارد و مجرم را از خود طرد نمی کند.

بنابراین بازپروری و پیوند دادن مجرم نیز یکی از اهداف بسیار مهم مجازات های اجتماعی است، زیرا مجرم با بودن در بین خانواده، از دست ندادن شغل و تحصیل خود و دور بودن از فضای زندان و فرهنگ حاکم بر آن، اعتماد به نفس خویش را در بازگشت به جامعه از دست نمی دهد، و با نقض قانون هنوز جامعه به او به دیده امید می نگرد و به او اعتماد دارد. مجرم نیز در پاسخ به اعتماد جامعه نسبت به وی نه تنها سعی می کند مرتکب جرم نشود، بلکه احساس شرمساری و خجلت او را فرا می گیرد و در قبال بزه دیده، جامعه، اطرافیان و خانواده احساس تعهد بیشتر می کند و درصدد تلاش برای جبران خسارت های وارده بر بزه دیده و جامعه برمی آید و سعی می کند که بیش تر در خدمت جامعه باشد.

ج: پیش گیری از جرم

برای جلوگیری از ارتکاب جرم بر بزه دیده، باید زیان های ناشی از جرم که بر او وارد شده جبران شود. جبران خسارت فقط شامل خسارت های مالی نیست بلکه خسارت های غیرمالی مثل: خسارت احساسی و عاطفی را هم در بر می گیرد که ممکن است حالت هایی از: خشم، هراس، نفرت و رسوائی، و ... باشد که اجرای کیفر حبس نقشی در ترمیم خسارت های مادی، روحی و روانی بزه دیده نمی تواند داشته باشد.

حتی در صورت صدور حکم دادگاه، وصول این خسارت نیازمند زمان طولانی است در حالی که با اعمال مجازات های اجتماعی جایگزین زندان، دستیابی به عدالت سریعتر اتفاق می افتد. ترمیم خسارت های بزه دیده موجب تشفی خاطر او می شود و از تاوان خواهی از مجرم جلوگیری می کند.

در خسارت های مالی به طور مثال راهبردهایی چون خدمات عمومی همراه با دستمزد می تواند مفید باشد، زیرا توانایی بزهکار را در پرداخت خسارت بزه دیده بالا می برد. طبق بند ۱ ماده ی ۴۱ لایحه نیز به ارائه خدمات به بزه دیده در جهت رفع یا کاهش آثار زیانبار

مادی یا معنوی ناشی از جرم یا رضایت بزه دیده، بزهکار را ملزم به خدماتی ویژه به نفع بزه‌دیده جهت جبران خسارت مادی و معنوی کرده است.

وقتی که فردی از جامعه مرتکب جرم می‌شود، در نتیجه‌ی آن جرم، در نظم عمومی موجود در جامعه خللی ایجاد می‌شود اگرچه کیفر حبس با زندانی کردن مجرم مقداری از نگرانی او را کاهش می‌دهد، اما با اعمال صحیح مجازات‌هایی مثل: «خدمات عمومی» و «دوره‌ی مراقبت» بزهکار مجبور می‌شود کاری به نفع جامعه انجام دهد و اشتباه خود را جبران کند، در نتیجه جامعه ذینفع می‌شود و علاوه بر جامعه پذیرنده بزهکار و پذیرش او از طرف جامعه نظم و امنیت عمومی نیز مجدداً در جامعه برقرار خواهد شد.

د: ایجاد احساس مسئولیت

کیفر خدمات عمومی، وسیله‌ای برای تقویت و گسترش احساس مسئولیت - به ویژه در نوجوانان - بزهکار است. خدمات عمومی باید پس از ساعت‌های کار رسمی یا در پایان هفته مورد حکم قرار گیرد تا با کار اصلی محکوم تداخل پیدا نکند و این مسئله با مؤسسه محل انجام کار نیز هماهنگ خواهد شد. همچنین توانایی و تمایل مؤسسه محل انجام کار به پذیرش بزهکار باید اثبات شده و از معرفی محکوم به مؤسسه‌هایی که بیش از نیاز خود، محکوم پذیرفته‌اند خودداری شود و چنانچه در طول مدت انجام خدمت عمومی نیز نوجوان محکوم کاری پیدا کند، نحوه‌ی انجام آن بایستی متناسب با شغل او تغییر یابد. (حیدری ۱۳۹۸: ۱۰۲)

ه: اعطای فرصت جبران خسارت

خدمات عام المنفعه، فرصتی است که دادگاه به مجرم پیشنهاد می‌کند تا با انجام کاری به نفع جامعه (به جای حبس) در صدد جبران خطای ارتكابی برآید. خدمات اجتماع محور نه تنها فاقد خطرات و معایب حبس است، بلکه باعث ارتقای رشد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تربیتی می‌شود. انجام خدمات عمومی از سوی محکوم، مترادف با بیگاری و کار اجباری نبوده بلکه در جهت بازپروری و اصلاح محکوم علیه از رهگذر جلوگیری از آثار منفی محکومیت به حبس، بهره‌گیری از ظرفیت‌های بازپروری، اشتغال به کارهای عام المنفعه و نیز جبران خسارت‌هایی است که مجرمان به واسطه ارتکاب جرم به اجتماع وارد کرده‌اند.

با توجه به ناکارآمدی حبس (به ویژه حبس‌های کوتاه مدت) در زمینه‌ی بازدارندگی و اصلاح و درمان بزهکاران به لحاظ کنار گذاشتن مجرم از اجتماع و آشناسازی وی با فرهنگ حبس و مشکلات ناشی از حبس نظیر: رواج مواد مخدر، شیوع بیماری‌های عفونی، خشونت و ... کشورها در صدد به‌کارگیری مجازات‌های جایگزین حبس بودند که با عنوان «کیفرهای اجتماع محور» شناخته می‌شوند. قانون‌گذار در ایران نیز در سال ۱۳۹۲ مجازات‌های جایگزین حبس را وارد قانون مجازات اسلامی کرد؛ یکی از مصادیق این نهاد خدمات عمومی رایگان یا همان خدمات عام المنفعه می‌باشد که قضات محاکم با رعایت شرایط مقرر می‌توانند مجرم را بدون نگه داشتن در حبس، تحت نظر قاضی اجرای احکام، به نفع جامعه بدون پرداخت دستمزدی به کار مشغول کنند. (خالقی، ۱۳۸۶: ۳)

خدمات عمومی یکی از تدابیر جایگزین حبس نوجوانان بزهکار به شمار می‌آید که به موجب آن، به شخص محکوم بزهکار پیشنهاد می‌شود از طریق انجام کاری (رایگان) به نفع جامعه، در عوض حبس، در صدد جبران خطایی برآید که مرتکب شده است. خدمات عمومی به معنای کار و وظیفه‌ای است که به نفع تمام اعضای جامعه صورت می‌گیرد.

و: بازپروری اجتماعی بزهکار

کار قضایی صرفاً تطبیق جرم ارتكابی با قانون و حکم به مجازات قانونی نمی‌باشد بلکه به همان مقدار که در پیدا کردن وصف کیفری عمل مجرمانه تلاش می‌کند، باید در گزینش و تعیین مجازات مناسب نیز فعال و دارای اختیار باشد.

زندان به منزله‌ی ابزاری است برای طرد مجرم و ناتوان سازی او، و در اصلاح و درمان بازپذیری اجتماعی مجرم ناتوان است. امروزه حبس‌های کوتاه مدت از فهرست کیفرهای قانونی در بیش‌تر کیفرها حذف شده و حبس‌های بلند مدت هم تنها برای مرتکبان جرم‌های سنگین و تکرار کنندگان جرم پیش‌بینی شده است؛ یعنی کسانی که توسل به اقدام‌های اصلاحی و درمانی برای آن‌ها بی‌فایده بوده و

تنها راه ممکن برای مصون ساختن جامعه از خطر بزهکاری آنان، دور نگه داشتن آنان از جامعه است. با وجود این نظام‌های کیفری نمی‌توانند از بازپذیری مجرم و هدف‌های اصلاحی و درمانی او (بخصوص در جرم‌های کم اهمیت و مجرمانی که قابلیت اصلاحی و بازگشت به جامعه را دارند) دست بردارند.

یکی از اهداف طراحان و تدوین کنندگان لایحه نیز در همین راستا بوده است. برخی از مجازات‌های اجتماعی ایجاب می‌کنند که دادرس با متهم به گفت‌گو بپردازد و در مورد صدور مجازات اجتماعی موردنظر، با وی به توافق برسد. برخلاف این اصل کلی، مجازات را دادرس پس از محاکمه و شنیدن اظهارات طرف‌ها و پایان رسیدگی تعیین و صادر می‌کند. در این‌جا دادرس باید هنگام تعیین مجازات خدمات عمومی ابتدا رضایت محکوم علیه را برای صدور این مجازات جلب کند و اگر متهم به این مجازات رضایت ندهد، دادرس وی را به کیفر زندان پیش بینی شده برای آن جرم محکوم کند، زیرا کار اجباری نوعی بیگاری است که از نظر حقوق کار ممنوع است. از این رو دادرس در کنار متهم قرار می‌گیرد تا برای اعمال این مجازات به اتفاق تصمیم بگیرند. در نتیجه‌ی این رضایت مندی مجرم و بازگشت او به اجتماع باعث تقویت حس مسئولیت او در انجام مجازات مورد نظر می‌شود و در خلال تحمل مجازات‌های اجتماعی از عمق و شدت صدمه ناشی از رفتار مجرمانه خود به جامعه و بزه دیده مطلع گردیده و میزان ضد اجتماعی بودن رفتار خویش را درک خواهد کرد و مسئولیت عمل خود را می‌پذیرد و در قبال جامعه احساس مسئولیت بیش‌تری خواهد کرد.

بر اثر ارتکاب جرم، زیان‌هایی به: اجتماع، بزه‌دیده و بزهکار وارد می‌شود که با اجرای مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان این زیان‌ها و خسارت‌ها تا حدی جبران می‌شود. نظام موجد عدالت کیفری با ندیده انگاری بزه‌دیده و جبران خسارت‌های وارده در بسیاری از موارد موجب بزهکاری بزه‌دیدگان می‌شود. چنین نظامی به جای این‌که در رفع تعرض بکوشد به تشدید آن می‌پردازد و به جای نزدیک ساختن طرف‌های دعوا به یکدیگر، فاصله میان آن‌ها را عمیق‌تر می‌کند.

عدم حمایت از بزه‌دیدگان، به ویژه در زمینه‌ی مسائل روانی، خود موجب تبدیل بزه‌دیدگان به افرادی با قابلیت‌های مجرمانه می‌شود و این موضوع به‌ویژه در مورد کودکان بزه دیده نمودار بیش‌تری دارد؛ به گونه‌ای که برخوردهای خشونت بار با کودکان یکی از علل گرایش آنان به بزهکاری در سنین بالاتر است. زندگی نامه بسیاری از افراد بزهکار و معتاد نشان می‌دهد که در زندگی خود یک روی خشونت بار را در برخورد با پدر و مادر خود داشته‌اند.

اگر بزه دیده نظام عدالت کیفری را نسبت به احقاق حقوق خود و جبران خسارت‌ها و آسیب‌های وارده به خود در اثر ارتکاب جرم ناتوان بداند، ممکن است خود به اقدام‌های انتقام جویانه دست بزند که آن منشأ و موجب بروز جرم‌های دیگر است. درحالی که اگر نظام عدالت کیفری در حمایت از بزه‌دیده نقشی موثر داشته باشد، بزه دیده هرگز به راه‌های انتقام جویانه برای تسکین درد و رنج ناشی از جرم متوسل نمی‌شود. حمایت بزه دیده خواه در قالب حمایت‌های قانونی و قضایی و خواه در قالب حمایت‌های مادی و معنوی موجب می‌شود تا با کاستن از آسیب‌های روانی وی، خطر انتقام و ارتکاب جرم کاهش یابد، زیرا انتقام‌های فردی بیش‌تر ناشی از عدم اعتماد به دادگاه کیفری و ضابطان قضایی و احتمالاً بدبینی و نومییدی در مورد تاثیر مراجعه به این مراجع است.

ز: بازسازی بزهکاران

همانند سایر مجازات‌ها، کار عام المنفعه نیز آثار مثبتی بر بزهکار دارد و درواقع چرایی این مجازات نیز همان آثار مثبت و تاثیرات این مجازات بر بزهکار است.

در درجه‌ی اول، کار عام المنفعه را می‌توان وسیله‌ای برای تقویت و گسترش احساس مسئولیت در مجرمان و شیوه‌ی مثبت و موثری برای جبران خسارت جرم‌های ارتكابی آن‌ها به شمار آورد. در واقع با انجام کاری برای عموم توسط مجرم، این فکر در مجرم تقویت می‌شود که وی می‌تواند عنصری سودمند برای جامعه باشد و با انجام کار به جبران بخشی از خسارت خود بر جامعه و بزه دیده بپردازد که این کار به نوبه‌ی خود رشد شخصی و عزت نفس مجرم را نیز ارتقا می‌بخشد.

انقلابی‌ترین ایده در زمینه کار عام المنفعه عبارت است از این‌که: بزهکار از فردی منفعل در محکومیتش به فردی فعال تبدیل شود تا جایی که بدون رضایت متهم نمی‌توان به این مجازات حکم داد. دیگر این‌که محکوم متحمل کیفرش نمی‌شود بلکه با رضایت آن را

می‌پذیرد و آگاهانه و بر پایه‌ی یک قرارداد متعهد به انجام کاری مفید می‌شود. این کار خسارتی را که او با تخطی از قانون جامعه وارد کرده است جبران می‌کند. به دیگر سخن، اجتماع باید به چنین درخواستی پاسخ دهد و به محکوم امکان انجام چنین تعهدی را بدهد. بدین ترتیب اجتماع به دومین طرف فعال اجرای مجازات کیفری یعنی خدمات عام المنفعه بدل می‌شود. این دو، پیش فرض منشاء تمام قواعد جدیدی است که هم مقامات قضایی صدور چنین مجازاتی و هم بخش‌های مسئول اجرایی آن باید از آن‌ها تبعیت کنند. بنابراین نقش فعال اجتماع، قربانی جرم، مجرم و دستگاه قضایی را در اجرای این مجازات می‌توان دید و در واقع همه‌ی این عوامل دست به دست هم می‌دهند تا از مجرم فردی اجتماعی بسازند و شیوه‌ی زندگی اجتماعی سالم را بیاموزند.

مجازات خدمات عام المنفعه باعث نجات مجرم از خمودی و سستی می‌شود. مجرم که پیش از این فردی منفعل و آسیب‌رسان برای جامعه بود به فردی فعال و مفید برای جامعه تبدیل می‌شود و این مجازات به او بیرون آمدن از سستی و تنبلی را می‌آموزد و در نتیجه به از بین بردن مشکلات روحی و روانی مجرم کمک می‌کند، زیرا کار فی نفسه یک عامل سلامت روانی تلقی می‌شود و بیش‌تر مفاسد اجتماعی به دلیل بیکاری و افسردگی ناشی از آن است. حتی اگر این کار درآمدی برای مجرم نداشته باشد، اندوخته‌های روانی بسیاری برای او به ارمغان می‌آورد. (کشفی رودسری، ۱۳۹۲: ۱۱۵)

اعمال مجازات خدمات عام المنفعه، صرف نظر از صرفه جویی‌های اقتصادی، مانع قطع روابط عاطفی خانوادگی و شغلی بزهکاران خواهد شد. فرایند جامعه‌پذیری آنان را مختل نمی‌کند بلکه در بیش‌تر افراد حتی به تقویت این روابط کمک می‌کند. این مجازات‌ها نه تنها به عنوان جایگزین کیفر سالب آزادی به کار می‌روند بلکه تأیید اساسی آن‌ها بر ضمانت‌های اصلی است. اکثریت قابل توجهی از انسان‌ها تمایل به پذیرش طبیعی و عادی افرادی که به زندان رفته‌اند را در جامعه و در میان افراد دیگر ندارند. بسیاری از مؤسسات آمادگی به‌کارگیری کسانی که محکومیت خود را که در زندان طی کرده‌اند را نداشته و سوء سابقه‌ی عنوانی است که بر پیشانی اغلب محکومان حک شده است. بنابراین چون زمینه‌ی ترمیم روابط محکومان در جامعه ضعیف است، رویکرد آن‌ها با جامعه رویکردی غیر اجتماعی و جرم‌زا می‌باشد و عموماً تکرار جرم، به بازگشت مجدد به زندان می‌انجامد و چرخه طبیعی زندگی فرد و خانواده‌اش را با مشکل مواجه می‌کند لذا مجازات خدمات عمومی این ویژگی‌ها را دارند که به جهت توأم بودن با آموزش‌های شغلی، حرفه‌ای و کار و ... زمینه بازسازی اجتماعی بزهکاران را فراهم می‌کنند، وصفی که شاید کیفرهای سنتی عدالت کیفری کم‌تر متصف به آن هستند. مجازات‌ها مانند خدمات عمومی به گونه‌ای طراحی شده‌اند تا از تحمیل درد و رنج مضاعف به افراد پیش‌گیری شود و آثار زیان‌بار برخی مجازات‌ها به حداقل کاهش یابد. محکومان کیفری ضمن حضور در جامعه، مجازات خود را تحمل می‌کنند و از طریق اعمال مجازات فرصت تغییر رفتار به مرتکب داده می‌شود. (بیگی و بیگی، ۱۳۹۸)

نکته‌ی دیگر که قابل اشاره است این است که: ویژگی مجازات خدمات عمومی اغلب به فرد این احساس را می‌دهد که اقدام به کار خیریه می‌کند و طبق آموزه‌های اسلامی کار بی‌مزد خویش را نوعی ثواب تلقی می‌کند. به مجرم این فرصت داده می‌شود تا با این تفکر حس بهتری نسبت به خود پیدا کند و از طرفی احساس گناه ناشی از ارتکاب جرم را در وی از بین می‌برد و به اجتماع فرصت داده می‌شود که با پذیرش مشارکت مجرم در کار خیریه به توان بخشی اجتماع مجرم‌یاری رساند. انجام خدمات عام المنفعه به دلیل آشتی‌ای که میان محکوم و جامعه صورت می‌پذیرد می‌تواند، امکان گسترش از خط سیر زندگی مبتنی بر ناکامی و جرم را فراهم آورد. بدین ترتیب ورای تأثیر احتمالی بر رفتار اجتماعی، چنین تعاملات، می‌تواند میان محکوم و نمایندگان نمادین جامعه تأثیری بر سامان روانی مجرم نیز داشته باشد.

باری، می‌توان گفت با اجرای «مجازات جایگزین» نظم و انضباطی که با ارتکاب جرم از بین رفته بود به جامعه باز می‌گردد. بدیهی است که هدف قانون‌گذار از اجرای کیفر، پیگیری هم‌زمان دو هدف می‌باشد: هدف اول این است که بزهکار با اعمال مجازات تنبیه شده به سزای اعمال خود برسد و هدف دوم این که در کنار تنبیه مجرم، اهداف اخلاقی انسانی و اصلاحی نیز تعقیب گردد تا در پناه اهداف فوق نظم و انضباط اجتماعی و عدالت کیفری در جامعه مستقر شود. کار عام المنفعه همچنین به مجرم نشان می‌دهد که هر چند جامعه از مجرمیت او متأثر شده است می‌توان به او به عنوان یک عنصر سودمند و سازنده و نه مخرب و زیان‌بار نیز بنگرد.

ح: پیشگیری از برچسب مجرمانه

یکی از نظریات مشهور در جامعه شناسی و در تحلیل رفتار مجرمانه، «نظریه‌ی برچسب زنی» است. این نظریه توضیح می‌دهد که چگونه می‌توانیم با واژگان منفی و اطلاق آن به دیگران در هویت و رفتار آنان تاثیر بگذاریم و آنان را ناخواسته به سوی رفتاری سوق دهیم که ابتدا از آن بیزار هستند. بنابراین، یکی دیگر از کارکردهای خدمات عام المنفعه، پیشگیری از اتهام و برچسب مجرمانه زدن به بزهکار است. به همین جهت ماده‌ی ۱۰ آیین نامه‌ی خدمات عمومی رایگان موضوع ماده‌ی ۷۹ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «محکومان معرفی شده باید بدون هیچ گونه نشانه یا لباس متمایزی در نهاد پذیرنده، حاضر و به انجام خدمت مبادرت ورزند. توسل به مجازات خدمات عمومی (عام المنفعه) صرفاً تقلیل جمعیت کیفری در حبس نمی‌باشد، فلسفه‌ی دیگر آن اجتناب از ایراد انگ مجرمانه (برچسب مجرمانه) به برخی شهروندان است که برای نخستین بار مرتکب هنجارشکنی گردیده‌اند. به همین دلیل در برخی کشورهای اروپایی و حتی آسیایی که در دهه‌های گذشته تخت‌های خالی زندان داشته‌اند، استفاده از مجازات خدمات عام المنفعه از اهمیت لازم برخوردار بوده است. در مجازات خدمات عمومی، مجرم موظف می‌باشد میزان معینی کار بدون مزد به نفع جامعه در اوقات آزاد (خارج از ساعات کار معمول خود) و خارج از حبس، انجام دهد، چون انجام کار و خدمات خارج از حبس می‌باشد، از نگاه جامعه برچسب مجرم و در حبس بودن به بزهکار نمی‌خورد و دوستان، آشنایان و هم‌شهریان بزهکار که او را می‌شناسند و او را در محیط عمومی و خارج از حبس در حال کار می‌بینند، دیگر تصور نمی‌کنند که او در حبس بوده است. در کنار پاک کردن برچسب مجرمانه از بزهکار، فلسفه انجام خدمات عام المنفعه در وقت آزاد بزهکار آن است که آزادی و قدرت انتخاب مجرمان در چگونگی گذراندن اوقات فراغت و بیکاری شان محدود شود، اوقاتی که مجرمان امنیت و آسایش دیگران را ممکن است در معرض خطر قرار دهند. (توسلی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۴)

ط: جنبه‌های اقتصادی اشتغال به کار بزهکاران

ایجاد شغل برای مجرمین، پایه‌ی اصلی اصلاح و بازپروری مجرم است. مجرم در این راه استعدادها و توانایی‌های خود را پیدا می‌کند. بدین صورت که با وجود فرصت‌های شغلی در جامعه و رونق اقتصادی کشور، فرصتی پیدا خواهد کرد تا به مجازات خدمات عمومی رایگان، بتواند به جای تحمل مجازات حبس، به فعالیت در این نوع خدمات بپردازد.

نگاهی به چالش‌ها و موانع پیشروی خدمات عام المنفعه به عنوان مجازات جایگزین حبس:

خدمات عمومی رایگان به عنوان بارزترین نمونه‌ی مجازات‌های اجتماع محور، از سال ۱۳۹۲ وارد ادبیات قانونی و قضایی ایران شد. در این راستا انتظار می‌رفت قانون گذار با پیش‌بینی مجموعه قوانین و مقررات جامع و به دور از چالش‌های متعدد، زمینه ساز اثربخشی این نهاد نوین در راستای نیل به اهداف ذاتی آن یعنی: اصلاح و بازاجتماعی شدن مرتکب باشد. با نظر به این موانع و دیگر چالش‌های فراروی بهره‌گیری از خدمات عام المنفعه به عنوان مجازات جایگزین‌های مجازات حبس، در صدد است نقش رویه‌ی قضایی به عنوان منبع قاعده ساز را در این زمینه بررسی کند؛ همچنین، با تکیه بر تجزیه و تحلیل موردی آراء صادره از محاکم کیفری (رویه‌ی قضایی)، افزون بر موارد مطرح شده، چالش‌ها و راهکارهای مجازات جایگزین حبس (خدمات عمومی رایگان)، با توجه به قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در حقوق کیفری ایران و در صورت اقتضا، قوانین دیگر کشورها، تجزیه و تحلیل می‌شود.

الف: چالش‌های فرهنگی

مجازات‌های جایگزین حبس که مدتی است در قانون مجازات اسلامی به تصویب رسیده است، برای این‌که دوام داشته باشند و به مواد قانونی متروک تبدیل نشود، باید منطبق با فرهنگ عموم جامعه باشند. در غیر این صورت، امکان دارد که به موادی متروک و بی‌اثر تبدیل شده، یا امکان تغییر قوانین تازه به تصویب رسیده وجود دارد. از میان مصادیق مجازات‌های جایگزین حبس، تنها خدمات عمومی رایگان است که با توجه به نوع مجازات شیوه‌ی اجرای آن در بین عموم مردم ممکن است. از آن‌جا که مطابق قانون محکوم کردن مجرم به این نوع از مجازات (خدمات عمومی رایگان) منوط به رضایت مجرم است، و نظر به این‌که انتخاب آن از طرف مجرم باعث می‌شود تا

مجرم تمام دوران محکومیت خود را در مقابل دیدگان مردم سپری نماید، اعمال این روش مجازات سبب می شود تا مردم به راحتی اقدام به زدن برچسب مجرمیت به مجرم نمایند، از این رو، مجرم تمایل چندانی به انتخاب این نوع از مجازات نشان نخواهد داد. در نتیجه می توان برچسب زدن را به عنوان یکی از موانع اجرایی مجازات های جایگزین حبس به شمار آورد.

فرهنگ استفاده از مجازات های جایگزین در جامعه و از جمله دستگاه قضایی نهادینه نشده است و تعداد جرایمی که مشمول این مجازات ها می شوند زیاد نیست. یکی از دلایل صدور احکام حبس، عقاید، افکار و احساسات مردم است؛ زیرا توده های مردم اغلب تمایل به کیفرهای سخت و خشن دارند و حبس را برای مجرمان ضروری و لازم می شمارند. از این رو، دادگاه ها نیز تحت تأثیر همین عامل (عوام گرایی) به حبس هر چه بیش تر محکومان اقدام می نمایند (آشوری، ۱۳۸۲: ۴۸).

در صورت فرهنگ سازی عمومی به صورت آموزش در مدراس و دانشگاه ها و تبلیغ از طریق رسانه ها، قضات دادگاه ها در خصوص مجازات های جایگزین حبس بهتر می توانند اتخاذ تصمیم نمایند. وقتی مردم با صدور این گونه احکام مشکلی نداشته باشند، در اجرای آن ها نیز با موانع و ایرادات کمتری مواجه خواهیم بود.

مطابق «نظریه تأخر فرهنگی» که یکی از نکته های مهم پویایی شناسی فرهنگی است و در اصطلاح نوعی عدم تعادل فرهنگی به حساب می آید، و به معنای تمایز اجزای یک فرهنگ از نظر آهنگ حرکت آنان است. (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۱۷۳)، هنوز فرهنگ مواجهه با این پدیده (خدمات رایگان عام المنفعه جایگزین حبس) به وجود نیامده است. عامه مردم، فرهنگ پذیرش و مواجهه با محکومین به خدمات عمومی رایگان را نداشته و نسبت به آنان رفتار مناسبی از خود نشان نمی دهند.

ب: قضات سنت گرا

هر چند قانون گذار در ایران مبتنی بر رویکردهایی هم چون: کیفرزدایی، قضازدایی و جرم زدایی و متأثر از تحولات و رویکردهای بین المللی پیرامون حبس و معایب آن (در قوانین کیفری مصوب ۱۳۹۲ قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری) به صورت روشن و ویژه ای برای کاهش جمعیت کیفری حبس و کاستن معایب حبس، گام برداشته است، اما ناگفته پیداست که کارآمدی این تدابیر قبل از هر چیز نیازمند بستر سازی حقوقی و از همه مهم تر فرهنگ سازی قضایی و اجتماعی است. قضات نقش عمده ای در اعمال مجازات های جایگزین حبس دارند؛ به گونه ای که اگر کامل ترین و جامع ترین قانون مدون در اختیار عاملین بی تدبیر قرار گیرد، امکان اجرا و بهره برداری صحیح و مطلوب از قانون متصور نخواهد بود. (بختیاری و همکاران، ۱۳۸۱: ۲۹).

نقش قضات در اجرای قانون به حدی است که می توانند یک قانون را متروک نموده یا با تسری یک قانون به مواردی که در زمان وضع آن قانون اصلاً وجود خارجی نداشته است در عمل اقدام به جرم انگاری کنند. قضات موافق حبس معتقدند که با اجرای مجازات سالب آزادی، مرتکب برای مدتی از جامعه طرد شده و خطر او برای جامعه از بین می رود و در این صورت نظم عمومی که به وسیله ارتکاب جرم او از بین رفته بود، برای اجتماع اعاده می شود. اطمینان به بازدهی مجازات حبس چنان در میان قضات شکل گرفته و نهادینه شده که به نتایج مجازات های جایگزین حبس اطمینان چندانی ندارند. (حاجی تبار فیروزجائی و صفاری، ۱۳۸۶: ۱۱)

قضات سنت گرا، اثرات مخرب حبس را نادیده می گیرند. این قضات اکثراً از تحصیلات بسیار بالا برخوردار نبوده و تمایلی به شناخت مکاتب علمی و نظرات دانشمندان جرم شناسی ندارند.

ج: نگرش عامه مردم به حبس

غفلت از وحدت رویه یا بی توجهی به مواد قانونی موجود و مرتبط با مجازات خدمات عمومی رایگان (خدمات عام المنفعه) به عنوان جایگزین حبس در آرای قضات: موانع و تحدیدات عدیده ی تقنینی و خلاء ها و ابهامات موجود در قانون مجازات اسلامی ناظر بر مجازات های جایگزین حبس و نارسایی و ناکارآمدی آئین نامه اجرایی این مجازات، سبب شده که قضات تمایل چندانی برای اعمال جایگزین های نوین حبس از خود نشان ندهند، در صورتی که قاضی با توجه به دانش خود و مقتضیات پرونده می تواند تفسیری از قانون

ارائه نماید که در عین این که معارض با روح قانون نیست، در جهت بازگشت بزهکار به جامعه و بازپروری او باشد، اما با بررسی احکام و آرای بعضی از آرای قضات مشخص می شود که به راحتی از این ظرفیت قانونی چشم پوشی می شود.

براساس قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ و آیین نامه ی موضوع ماده ی ۷۹ قانون مجازات اسلامی، هدف از اعمال مجازات های جایگزین اصلاح و بازپروری بزهکار و کاهش جمعیت کیفری زندان ها است و قاضی می تواند برای جرایمی حکم مجازات خدمات عام المنفعه یا جایگزین حبس صادر کند، اما بررسی آرای صادره و تجزیه و تحلیل پرونده های موجود، حکایت از آن دارد که برخی جرایم متداول نظیر: ایراد صدمات بدنی غیر عمدی، قتل غیر عمدی ناشی از تصادفات رانندگی، رانندگی بدون پروانه رسمی، تصرفات عدوانی، مزاحمت برای بانوان در اماکن عمومی، مزاحمت تلفنی، نگهداری اسلحه و مهمات جنگی به صورت غیر مجاز، شکار و صید بدون مجوز و جرایم علیه محیط زیست و ... که مجازات های آن قابلیت و امکان صدور حکم به خدمات عام المنفعه دارد، به وفور نادیده انگاشتن برخی متغیرهای مهم همچون: نوع جرم، سن، جنس، وضعیت شغلی و تأهل مرتکب، از سوی قضات مشهود است. این موارد را می توان نتیجه کم اطلاعی و عدم درک درست قضات نسبت به مزیت های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ضعف و نا آشنایی و عدم توجه نسبت به تحولات در سیاست های کیفری جدید موثر در کاهش جمعیت کیفری افراد محبوس و لزوم دوری جستن و فاصله گرفتن با سیاست های سخت گیرانه کم اثر و اهمیت، ضرورت و اهداف جایگزین های حبس، به ویژه خدمات عام المنفعه به عنوان یکی از نوآوری های حقوقی و رویکردهای اصلاحی مفید و موثر قضایی جهت دستیابی کم هزینه تر به اهداف اصلاح، درمان، جامعه پذیر کردن و بازاجتماعی کردن مجرمین کم خطر و همچنین مشکلات اجرایی و کمبودهای سخت افزاری دانست.

د: چالش های اقتصادی

در رابطه با اجرای مجازات های جایگزین حبس، یکی از زمینه هایی که بایستی مورد مطالعه دقیق قرار بگیرد، شناسایی مشکلات و موانع اقتصادی است که بر سر راه اجرای مجازات های جایگزین حبس وجود دارد، تا براساس آن ها بتوان در مسیر رفع مشکلات مزبور گام برداشت. مجازات های جایگزین حبس از نظر اقتصادی مقرون به صرفه هستند و در مواردی برای دولت منافع اقتصادی به همراه دارند، اما همواره مشکلات اقتصادی از قبیل فقدان سرمایه گذاری در مجازات های جایگزین حبس، هزینه افزایش تعداد کارمندان، نقصان ارگان های قضایی، وارد کردن تجهیزات و تکنولوژی مجازات های جایگزین حبس، معضل بیکاری و مشکل مسکن وجود دارد. در مجازات های جایگزین حبس، در دوره مراقبت از تجهیزات الکترونیکی استفاده میشود اما سرمایه گذاری مادی در این زمینه صورت نگرفته است. هم چنین در مجازات های جایگزین حبس، سرمایه گذاری انسانی با نقصان مواجه است. در صورتی که سرمایه گذاری نیروی انسانی در نهاد قضا، از طریق جذب نیروی انسانی جدید و آموزش نیروی انسانی موجود، باعث بهبود کیفیت در نهاد مزبور می شود و اجرای مجازات های جایگزین توسط قضات و کارمندان کارآمد، مشکلات به مراتب کمتری دارد.

– بحران بیکاری در خدمات عمومی رایگان (خدمات عام المنفعه):

بنابراین یکی از موانع اجرای مجازات جایگزین حبس (خدمات عمومی رایگان)، کمبود اشتغال و فرصت های شغلی و کاری است؛ وقتی در جامعه ای بحران اقتصادی و مالی است به همان اندازه اشتغال ورزی برای عموم مردم کم تر می شود و به طریق اولی برای محکومین به مجازات های جایگزین حبس (خدمات عمومی رایگان) نیز شغلی وجود نخواهد داشت، تا از این طریق محکومیت خود را در کار خدمات عمومی رایگان بگذرانند. کمبود شغل و اشتغال سبب می شود تا مجرمینی که محکوم به حبس (خدمات عمومی رایگان) می گردند فرصتی برای انجام فعالیت به جای تحمل مجازات حبس نداشته باشند.

– ضعف نهادها و سازمان های قضایی و حقوقی به خاطر کمبود منابع مالی:

گرچه قانون گذار در پی احتراز از آسیب های حاصل از حبس و ساختار آن، با مصوب ۱۳۹۲، نهادهای کیفری نوینی را پیش بینی نموده و فصلی را به مجازات های جایگزین حبس اختصاص داده است، اما این تغییرات در عرصه سیاست جنایی تقنینی و اجرایی به تنهایی کافی نبوده و برای حصول نتیجه، سیاست جنایی قضایی نیز باید خود را با نگاه جدید قانون گذار هماهنگ نماید. در اجرای قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در نهادهای قضایی مرتبط با مجازات های جایگزین حبس کاستی هایی

دید می شود. مهم ترین مشکل کمبود نیروهای متخصص در زمینه صدور و اجرای حکم و عدم وجود ناظران مجرب در امر نظارت بر مجرمین در زمان اجرای مجازات های مورد نظر است. در حوزه صدور احکام مجازات های اجتماعی به ویژه کیفر خدمات عام المنفعه، سازمان های تخصصی و کارشناسان تخصصی آموزش دیده های وجود ندارد. مشکل دیگر، تعداد زیاد سازمان های متولی در حوزه اجرای مجازات کار عام المنفعه و عدم توجه به ظرفیت نهادها و شوراهای محلی تأثیرگذار است.

دیگر موانع و مشکلات کار عام المنفعه

ه: موضوع مادهی ۶۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

همان طور که گفته شد مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی، صرف تمرکز بر فرصت زدایی و سلب موقعیت های مناسب جرمزا، صرفاً به دنبال کاهش میزان تکرار جرم اند و تأثیری بر شخصیت مجرمان و دوباره تربیت کردن و نقشی در بازپروری بزهکاران ندارند. این مجازات ها صرفاً، توان مجرمان را سلب می کنند. و مشکل روان شناسانه مجرمان برطرف نمی شود. با این وصف این مجازات ها تأثیر اندکی در بازسازی شخصیت مجرم دارد. فرضاً نظارت الکترونیکی تنها در کنترل و مجازات بزهکاران خاصی کاربرد دارد. علاوه بر آن فرهنگ سازی لازم صورت نگرفته و این ابزار به تنهایی برای حل مشکل زندان کافی نیست. باید در کنار سایر ابزارها استفاده گردد. از طرفی انتخاب این مجازات ها برای یک مجرم، نیازمند شناسایی دقیق قضات از مشکلات مجرمان و تشکیل پرونده شخصیت برای مجرم می باشد. همچنین محرومیت بزهکار از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات اصلی برای برخی جرم ها بدون بستر سازی و فرهنگ سازی عمومی تا اندازه ی زیادی پذیرش این دسته از مجازات ها را به عنوان مجازات جایگزین حبس، از سوی افکار عمومی با ابهام روبه رو می سازد. پس باید دست اندرکاران عدالت کیفری به گونه های فرهنگ سازی و برنامه ریزی کنند، که افکار عمومی محرومیت از حقوق اجتماعی را به عنوان یک مجازات بپذیرند. اما آیا جامعه ی ایرانی و فرهنگ ایرانی برای محرومیت از حقوق اجتماعی بزهکاران به عنوان مجازات جایگزین زندان اهمیتی قائل است؟ باور ایرانی باید این مجازات ها را بعنوان پاسخی مناسب و حتی قاطعانه، به عنوان مجازات جایگزین حبس تلقی کند. (نیازپور، ۱۳۸۷: ۱۲۸)

تا جنبه ی محرومیت از حقوق اجتماعی مجرمان هم جنبه ی بازدارندگی داشته باشد. و افکار عمومی نیز پذیرای اعمال و اجرای چنین مجازات هایی باشند. از طرفی این مجازات ها در مرحله ی اجرا دچار مشکل نشود، به گونه ای که نتوان آن ها را اجرا کرد. مسلماً در حال حاضر اعمال این گونه مجازات، با توجه به وضعیت اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی جامعه در مرحله اجرا با مشکل مواجه خواهد شد. بایستی به این پرسش پاسخ داد، که آیا فرهنگ جامعه ما در حال حاضر آمادگی این را دارد که فردی که تا دیروز در زندان به لحاظ جرمی که مرتکب شده بود می بایست در زندان تحمل کیفر می کرد، امروز در بستر جامعه مشغول فعالیت می شود، که منجر به رشد اقتصادی کشور و جامعه گردد؟ از طرفی نظر به این که فلسفه زندانی نمودن مجرم، بازدارندگی، اصلاح پذیری و بازپروری وی است، آیا اعمال این گونه مجازات ها تأثیری در عدم تکرار جرم توسط مجرم دارد یا خیر؟ آیا فرد تحت تأثیر این گونه مجازات متنبه و اصلاح می گردد یا خیر؟ اگر مجرم، محکوم به کار عام المنفعه در نهادی مثل شهرداری یا بهزیستی یا نهاد یا مکانی دیگر شد. مسلماً بایستی موارد ذیل مد نظر قرار گیرد و در تدوین آئین نامه نیز لحاظ گردد: نحوه انجام کار، آموزش محکوم، نوع کار عام المنفعه، مدت زمان انجام کار، نحوه نظارت بر محکوم به لحاظ کیفیت انجام کار، توانایی انجام کار توسط محکوم و پویا بودن یا نبودن محکوم در کار محوله، چپش فرد در کاری که تخصص به انجام آن دارد (فرضاً فردی که تخصص فنی یا پزشکی دارد در رشته شغلی خودش مشغول شود یا این که در فضای سبز یا تمیز کردن معابر به کار گمارده شود)، آموزش افرادی که در آن نهادها ارتباط مستقیم با محکومین دارند. (کشفی رودسری، ۱۳۹۲: ۶۴)

و به نحوی دخیل در این امر هستند، تأسیس نهاد نظارتی یا تعیین تشکل محلی جهت اعمال و اجرای بهتر این مجازات ها، چگونگی تشکیل پرونده شخصیت مجرم، چگونگی ارائه گزارشات لازم به مقام قضایی، مراحل و مراتب تشویق و تنبیه مجرم در حین اجرای مجازات، قاضی بودن یا نبودن مقام ناظر و ... لذا، دست اندرکاران عدالت کیفری در تدوین آئین نامه اجرائی این مجازات ها بایستی کلیه مسائل فوق را لحاظ و با مطالعات دقیق کارشناسی و بهره گیری از تجربیات ارزشمند کشورهای چون فرانسه که در این موارد تا حدودی

موفق عمل کرده‌اند، اهتمام ورزند. در باب آسیب شناسی جزای نقدی روزانه باید گفت بسیاری از قضات دادگاه ها جزای نقدی روزانه را به عنوان یک جایگزین هدفمند برای حبس یا تعلیق مراقبتی تلقی نمی کنند و اعتقاد دارند جزای نقدی روزانه به تنهایی سبب متنبه شدن مجرم نمی گردند هم‌چنین در نظر گرفتن جزای نقدی با مبلغ پایین اثر بازدارندگی نخواهد داشت. لذا با توجه به اختیاراتی که قضات در تعیین میزان جزای نقدی دارند بهتر است هنگام صدور حکم به جزای نقدی به استطاعت مالی و وضعیت اقتصادی محکوم علیه توجه نمایند. چراکه، در صورت عدم توجه به توانایی پرداخت جزای نقدی، تعیین این جزای نقدی عملاً منجر به بازداشت و روانه شدن متهم به زندان می شود.

و: تعارض ماده‌ی ۸۴ ق انون مجازات اسلامی با ماده ۳۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری

به موجب ماده‌ی ۸۴ قانون مجازات اسلامی، «خدمات عمومی رایگان خدمتی است که با رضایت محکوم برای مدت معین ... اجرا می‌گردد». حال در ارتباط با اخذ رضایت محکوم جهت صدور حکم به خدمت عمومی رایگان، به عقیده برخی قضات منطوق ماده‌ی فوق، ناقض ماده‌ی ۳۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری است که مقرر می نماید: پیش از امضای دادنامه، اعلام مفاد ... آن ممنوع است. متخلف از این امر، حسب مورد، به موجب حکم دادگاه انتظامی قضات یا هیئت رسیدگی به تخلفات اداری به سه ماه تا یک‌سال انفصال از خدمات دولتی محکوم می شود.

معتقدان به این نظر، باور دارند که هر کدام از این موارد به تنهایی ماده‌ی ۳۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری که آگاهی از مفاد رأی را پیش از امضای آن ممنوع نموده، نقض کرده و در این صورت تخلف انتظامی از سوی قاضی انجام خواهد گرفت. بدین ترتیب بنا بر نظر یکی از مصاحبه شوندگان، برای پرهیز از نقض ماده‌ی ۳۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری «قاضی باید مجازات حبس را تعیین کته، مجازات جایگزین را هم تعیین کند بعد پرونده را بفرسته اجرای احکام، اونجا به محکوم بگند خدمات عمومی تعیین شده را قبول میکنی یا نه؟ اگر قبول نداری باید بری حبس»؛ به عبارتی برای جمع دو ماده موردنظر، اخذ رضایت را به اجرای احکام واگذار می نمایند. بر این باور هستند که هرچند منطوق این دو ماده در ظاهر دارای تعارض هست، اما رعایت هر دوی آن ها امکان پذیر است. به طور مثال در پرونده هایی که بر اساس کیفرخواست واصله، قاضی اتهام را (در صورت احراز) مشمول فصل جایگزین می‌داند، ابتدا نسبت به اخذ رضایت متهم اقدام نماید و سپس رسیدگی ماهوی را آغاز کند. این اخذ رضایت می تواند به صورت شفاهی یا از طریق فرم های از پیش تهیه شده صورت گیرد.

در این ارتباط باید بیان داشت که هرچند عقیده گروه دوم که به عدم تعارض دو ماده باور دارند، صحیح تر به نظر می‌رسد، اما راهکار معرفی شده به طور کامل کارآمد نخواهد بود؛ زیرا باتوجه به عدم آشنایی متهمان با مفهوم خدمت عمومی و ضرورت تشریح دقیق آن و نیاز به توضیح درخصوص خدمت مورد نظر، اخذ رضایت به انجام خدمت عمومی فرآیندی زمان‌بر است که اجرای آن در شمار زیادی از پرونده ها، بدون تصمیم قطعی قاضی به اعمال خدمت عمومی، امکان‌پذیر نیست. (مودن زادگان و پارسا، ۱۳۹۹: ۳۵۷)

هم‌چنین ترجیح قابل جمع بودن دو ماده‌ی ۸۴ قانون مجازات اسلامی ماده‌ی ۳۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری از آن جهت است که می‌توان تعارض آن‌ها را تنها نوعی تعارض ظاهری و در منطوق دو ماده دانست؛ بدین دلیل که ماده‌ی ۸۴ قانون مجازات اسلامی، در حقیقت نوعی تخصیص بر ماده مذکور در قانون آیین دادرسی کیفری محسوب می شود. به عبارتی با در نظر گرفتن الزام قانونی قاضی در فرایند اخذ رضایت از محکوم، مجوز قانونی وجود داشته و این مجوز قانونی محدودکننده اطلاق ماده‌ی ۳۷۹ قانون مجازات اسلامی خواهد بود. در این صورت نمی توان قائل به تخلف انتظامی از طرف قاضی بود. همان طور که در مواردی دیگری از جمله در مواد ۵۷ و ۶۲ قانون مجازات اسلامی در مورد نظام نیمه آزادی و نظارت الکترونیکی نیز مقام قضایی به دستور قانون گذار مکلف به اخذ رضایت محکوم است.

در نتیجه با در نظر گرفتن فلسفه ی مجازات خدمات عمومی رایگان و ضمانت اجراهای مشابه که نهادهایی ارفاقی و در جهت اصلاح مجرم هستند، قضات به طور مستقل می توانند با ارائه تفاسیری اصلاحی و منطبق با این فلسفه، تعارض هایی ظاهری از نوع تعارض مطرح شده در این مبحث را مرتفع سازند و به صرف وجود چنین چالش هایی از کاربرد پاسخ های کیفری نوین امتناع ننمایند.

البته آشکار است که چنین امری مستلزم آموزش‌های گسترده فنی و مفهومی درون دستگاه قضا بوده تا قضات با آگاهی از اهداف واقعی و متناسب با نهادهای نوین، دست به تفسیر بزنند.

با اینحال جهت ایجاد تناسبی بیشتر بین مقررهای قانونی، رفع تعارض ظاهری بین این دو ماده از سوی قانون‌گذار زیبنده تر است. به عنوان نمونه قانون‌گذار می‌تواند با اضافه نمودن یک تبصره در پایان بحث خدمات عمومی، مقرر نماید: «درخصوص این ماده و سایر مواد مشابه که اخذ رضایت محکوم الزمی است، اقدامات صورت گرفته از سوی قضات، نافی ماده ۳۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری نیست.

راهکارهای اجرای مجازات خدمات عام المنفعه به عنوان مجازات جایگزین حبس:

توجه به راهکارهای متناظر با هر یک از این چالش‌ها می‌تواند نقش مهمی در اجرای صحیح و کامل مجازات‌های جایگزین حبس نظیر خدمات عام المنفعه داشته باشد:

الف: فرهنگ سازی برای اجرای مجازات خدمات عام المنفعه به عنوان مجازات جایگزین حبس

بسیاری از افراد جامعه حبس زدایی را مترادف با آزاد گذاشتن مجرم و بی عدالتی دادگاه‌ها قلمداد می‌کنند. پس لازم است برای عموم مردم و قضات در راستای اجرای مجازات‌های جایگزین حبس به طرقی هم‌چون: بستر سازی، آموزش، تبلیغات گسترده در رسانه‌ها و... فرهنگ سازی صورت گیرد. برای مثال در خدمات عام المنفعه، دستگاه‌ها باید با دقت انتخاب شوند تا با نوع جرم فرد تناسب داشته باشد، علاوه بر این، باید توجه شود که حضور فرد در اجتماع سبب برچسب زنی و رسوایی بیش‌تر وی نشود. مجریان و دست‌اندرکاران دستگاهی که فرد محکوم در آن خدمت می‌کند باید آمادگی لازم را برای پذیرش و حضور محکوم داشته باشند. (جاوید و شاهمرادی، ۱۳۹۴: ۲۸)

ب: آشناسازی و آموزش قضات در خصوص مسأله کیفرشناسی

آشناسازی و آموزش قضات دادگاه‌ها در زمینه مفاهیم کیفرشناختی جهت صدور مجازات متناسب آموزش قضات، از وظایف قوه قضاییه است و می‌بایست توسط یک نهاد یا شورای قضایی مستقل انجام شود. جهت کسب شرایط استخدام یا پس از استخدام، قضات آموزش‌های اولیه را دریافت می‌دارند و پس از انتصاب نیز تا پایان دوران تصدی خود تحت آموزش مستمر می‌باشند. با هدف افزایش راندمان دادگاه‌ها، لازم است قضات مهارت‌هایی را در ابتدا یا در طول دوران تصدی خود کسب کنند.

ج: هدایت و تشویق قضات به ارفاق

توجه به مسالمت و تواضع به جای سخت‌گیری در صدور رای، استفاده از دستورهای موکدی که در فرهنگ ما قاضی را به داشتن صبر و بردباری و پیروی از عدل و انصاف سفارش می‌نماید از نمونه‌های تشویق و ترغیب قضات به رای دادن به مجازات‌های جایگزین حبس به خصوص خدمات عمومی رایگان است.

د: فرهنگ سازی اختصاصی قضات

افزایش آگاهی قضات و به تبع آن فرهنگ سازی در این زمینه از مباحث مهمی است که بایستی گام به گام انجام شود. در فرهنگ سازی اختصاصی قضات، سنت زدایی از قضات سنت‌گرا ضروری است؛ گام بعدی در فرهنگ سازی قضایی، آموزش‌های حقوقی قضایی قضات است. ایجاد و راه اندازی دوره‌های آموزشی با موضوعات آشنایی با مجازات‌های جایگزین حبس کمک شایانی به استفاده هر چه بیش‌تر مجازات‌های جایگزین حبس می‌نماید. تا زمانی که قضات در زمینه صدور مجازات‌های جایگزین حبس توجه نگرند، هر مقدار هم توصیه صورت بگیرد بازده عملی نخواهد داشت. توجه قضات از طریق بررسی نحوه اعمال مجازات‌های جایگزین حبس سبب می‌شود که

قضات به سمت مجازات‌ها نوین بروند و برای آن‌ها محرز شود که با این روش‌ها مجرم از جامعه دور نبوده و با حضور و ارتباط خود در کنار نهاد خانواده، بستر مناسبی جهت بازاجتماعی کردن وی فراهم می‌شود.

نتیجه‌گیری

آنچه از جستجوی انجام شده تحت نام: «بررسی و تحلیل فایده و کارکردهای عملی خدمات عام‌المنفعه در مقام جایگزین مجازات حبس» به دست می‌آید عبارت از این است که: یکی از مهم‌ترین فواید و اثر بخشی کار عام‌المنفعه به عنوان مجازات جایگزین حبس، تاثیر در کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها می‌باشد. افزایش جمعیت کیفری هم برای دولت و هم برای خانواده فرد هزینه بردار است و پرداخت کنندگان مالیات هم چندان مایل به پرداخت هزینه هنگفت برای مجرم‌ان نیستند. بنابراین یکی از اهداف اساسی خدمات عام‌المنفعه را می‌توان کاهش میزان تکرار جرم ذکر نمود. اجرای این مجازات‌ها باعث ناتوان سازی فرد برای ارتکاب جرم جدید می‌شود اما نه با روش‌های انفعالی بلکه با تاثیرگذاری و بازسازی اجتماعی مجرم. بر اثر ارتکاب جرم زیان‌هایی به اجتماع، بزه‌دیده و بزه‌کار وارد می‌شود که با اجرای مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان این زیان‌ها و خسارت‌ها تا حدی جبران می‌شود. باری اجبار به انجام «امور عام‌المنفعه با رضایت محکوم» نسبت به بسیاری از مجازات‌ها - به ویژه جرایم مالی و حبس‌های کوتاه‌مدت - به حال جامعه به صرفه‌تر بوده و ضمن استفاده جامعه از خدمات محکومین، فرد محکوم نیز از خدمات خود بهره‌مند شده و امکان بازگشت او به اجتماع هموارتر می‌شود. از این رو بنا به شرایط ویژه‌ی دنیای امروز و ازدیاد جمعیت شهرها (و به تبع جمعیت بزه‌کاران)، امکان محدود نگهداری زندانیان، آسیب‌های جسمی و روحی ناشی از حبس، تحمیل هزینه‌های مالی فراوان به دولت‌ها و بالاخره آسیب‌هایی که متوجه خانواده محکومین به حبس خواهد بود، خدمات رایگان و عام‌المنفعه می‌تواند در بسیاری از مواقع جایگزین‌های بهتر و مناسب‌تری به جای «حبس» باشد و آسیب‌های گفته شده را به حداقل برساند.

منابع

قرآن کریم

- ابراهیمی، ابراهیم، پرونده شخصیت در فرایند کیفری ایران (مطالعه کاربردی)، چاپ اول، تهران انتشارت فکر سازان، ۱۳۸۹.
- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، چاپ پنجم پاییز، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲.
- _____، حقوق جزای عمومی جلد دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۳.
- آشوری، محمد، جایگزین‌های زندان و مجازات‌های بینابین، چاپ اول، تهران، نشر گرایش، ۱۳۸۲.
- بختیاری، سیدم، شهری، غ، مظفری، احمد، حمیدیان، حسن، واریسی جایگزین‌های مجازات زندان مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۸، ۱۳۸۱.
- بکاریا، سزار، رساله جرائم و مجازات‌ها، ترجمه محمد علی اردبیلی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹.
- بیگی، جمال؛ بیگی، حسین، نگاهی به نهاد خدمات عمومی به مثابه جایگزین حبس نوجوانان بزه‌کار و چالش‌های اجرایی آن، فصلنامه تخصصی حقوق علم و وکالت، سال دوم، شماره سوم، ۱۳۹۸.
- بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، مجمع علمی فرهنگی مجد، ۱۳۸۷.
- تمجید نوجه ده، ف، تعلیق مجازات در حقوق جزای ایران و انگلستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۱.
- توسلی، قاسمعلی؛ فرح بخش، مجتبی؛ رضانی، احمد، شناخت کارکردهای خدمات عام‌المنفعه در حقوق کیفری ایران، فصلنامه مطالعات میان رشته ای فقه، شماره ۱۱، ۱۴۰۱.
- حاجی تبار فیروزجائی، ح، صفاری، ع، جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران، تهران، نشر فردوسی، ۱۳۸۶.
- حیدری، س، بررسی تطبیقی کارهای عام‌المنفعه به عنوان جای‌گزین حبس در قوانین ایران، افغانستان و فرانسه، دو فصلنامه تخصصی گفتمان حقوقی، شماره ۱۹، ۱۳۹۸.
- جاوید، محمد جواد؛ شاهمرادی، عصمت، تعهد رسانه در قبال شفافیت قضایی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره هفدهم، شماره ۴۷، ۱۳۹۴.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ سی و هشتم، تهران: گنج دانش، ۱۴۰۳.
- خالقی، ابوالفتح، کار به جای زندان، فصلنامه پژوهشی حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳، ۱۳۸۶.
- دانش، تاج‌زمان، دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی، چاپ سوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۸.
- رضایی زاده، محمدجواد؛ کاظمی، داود، بازشناسی نظریه خدمات عمومی و اصول حاکم بر آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات حقوقی معاصر، شماره ۵، ۱۳۹۲.
- ساروخانی، ب، دایرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران، نشر کیهان، جلد اول، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، تهران انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۱.
- کشفی رودسری، پ، خدمات عام المنفعه به عنوان کیفر، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۹۲.
- کیانپور، غلامرضا، نواقص زندان‌ها، کانون وکلا، شماره ۵۱، ۱۳۳۵.
- گودرزی بروجردی، محمدرضا؛ الوندی، مظفر، حقوق بشر در نظام کیفری و زندان‌ها، انتشارات راه و تربیت، ۱۳۸۲.
- گودرزی بروجردی، محمدرضا؛ مقدادی، لیلا، تاریخ آیین دادرسی جنایی، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۵.
- مقصودی مال امیری، ع، الش‌های مجازات‌های جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی مصوب، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تفت، ۱۳۹۲.
- موذن زادگان، م، ع، و پارساء، م، چالش‌های تقنینی اجرای خدمات عمومی رایگان از منظر قضات، مجله ی حقوقی شماره ۱۱۴، ۱۳۹۹.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، مجازات‌های جامعه مدار در لایحه قانونی مجازات‌های اجتماعی، مجموعه مقالات همایش راه کارهای کاهش جمعیت کیفر زندان، تهران انتشارات نشر میزان، ۱۳۸۶.
- نقارچی، م، مجازات خدمات عمومی رایگان (جایگزین حبس) در حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران، ۱۳۹۴.
- نیازپور، ا، محرومیت از حقوق اجتماعی در لایحه مجازات‌های اجتماعی جای‌گزین زندان، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۴، پاییز، ۱۳۸۷.
- نیکبخت، سارا، کیفر شناسی. تحلیل آثار حبس بر زندانیان مطابق با قانون جدید آیین دادرسی کیفری، تهران کتاب، ۱۳۹۳.

Examining the benefits and practical functions of community service as an alternative to imprisonment

Fatemeh Dowlatshahi

Master's student in criminal law and criminology

Abstract

The current research under the title "Investigation of the utility and practical functions of community service as an alternative to imprisonment" aims to provide a detailed definition of "community service instead of imprisonment", to study this issue in Iran's legal system and expose the benefits and harms of this type of punishment (which unfortunately does not have much precedent in the country) to the reader's eyes. What was obtained from the conducted search is that the compulsion to do "public service" is more beneficial to the society than many punishments - especially financial crimes and short-term imprisonment - and while the society uses the services of the convicted, the convicted person He has also benefited from his services and the possibility of his return to society becomes smoother. Therefore, according to the special conditions of today's world and the increase in the population of cities (and accordingly the population of criminals), the possibility of keeping prisoners confined, the physical and mental injuries caused by imprisonment, imposing a lot of financial costs on governments and finally the damages that will be caused to the families of those sentenced to imprisonment. However, free and public services can be better and more appropriate alternatives to "imprisonment" in many cases and minimize the said damages.

Key words: function, public service, imprisonment, criminal laws of Iran.